

رسالة حقوق

حضرت زين العابدين وسيد الساجدين

امام علي بن الحسين عليه افضل صلوات يصيلين

متن كامل همراه ترجمه

حجة الاسلام والمسلمين

حاج شيخ محسن سعيديان

سرشناسه: علی بن حسین علیه السلام، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ ق.
عنوان قرارداد: رساله حقوق، فارسی - عربی.
عنوان و پدیدآور: رساله حقوق حضرت زین العابدین و سیدالساجدین امام
علی بن الحسین علیه افضل صاوات المصلین / محسن سعیدیان.
مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری: ۹۶ ص. شابک: ۳ - ۱۸۰ - ۵۳۹ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
موضوع: علی بن حسین علیه السلام، امام چهارم، فضایل، احادیث اخلاقی.
شناسه افزوده: سعیدیان، محسن، ۱۳۲۳.
رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۵۰۴۱ ر ۸ / BP ۲۴۸
رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۲۱۸
شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۷۳۹۷۱

شابک ۳-۱۸۰-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸ - 3 - 180 - 539 - 964 - 978 ISBN

رساله حقوق حضرت زین العابدین و سید الساجدین
امام علی بن الحسین علیه افضل صلوات المصلین
مترجم: حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ محسن سعیدیان
ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر
صفحه آرای: شبیر
نوبت چاپ: دوم / ۱۳۹۰
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
چاپ: زنیق

دفتر مرکزی: تهران، خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹
تلفن و فاکس: ۷۷۵۲۱۸۳۶ (خط ۶)
فروشگاه: تهران، خیابان ایران، خیابان مهدوی پور، پلاک ۶۴
تلفن: ۳۳۵۶۸۰۱ (خط ۴) همراه ۷۵۲۱۸۳۶ (۰۹۳۵)
وب سایت: <http://www.monir.com>
پست الکترونیک: info@monir.com
مرکز پخش مشهد:
چهارراه شهداء، اول خیابان آزادی، کتابفروشی نور مهدی، تلفن ۲۲۵۶۵۷۰ - ۵۱۱
شماره تماس مؤلف: ۰۹۱۵۹۰۳۵۰۳۴

۲۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

مقدمه کتاب ۹

مقدمه رساله ۱۱

رساله حقوق حضرت زین العابدین و سید الساجدین

امام علی بن الحسین علیه افضل صلوات المصلین

۱۳-۹۶

۱- حق بزرگ خداوند ۱۹

حقوق فردی در رابطه با اعضاء بدن

۲- حق نفست ۱۹

۳- حق زبان ۲۱

۴- حق گوش ۲۱

۵- حق چشم ۲۳

۶- حق پا ۲۳

۷- حق دست ۲۳



- ۸- حق شکم ۲۵
۹- حق اندام جنسی ۲۵

حقوق فردی در رابطه با افعال و کردار

- ۱۰- حق نماز ۲۷
۱۱- حق روزه ۲۹
۱۲- حق صدقه ۳۱
۱۳- حق قربانی ۳۳

حقوق اجتماعی

- ۱۴- حق حاکم و کارپرداز امور سیاسی ۳۵
۱۵- حق آموزگار ۳۷
۱۶- حق مالک ۳۹
۱۷- حق رعیت ۳۹
۱۸- حق شاگردان ۴۱
۱۹- حق همسر ۴۳
۲۰- حق برده و کنیز ۴۵
۲۱- حق مادر ۴۷
۲۲- حق پدر ۴۹
۲۳- حق فرزند ۴۹
۲۴- حق برادر ۵۱
۲۵- حق مولایت که تو را آزاد کرده ۵۳
۲۶- حق بنده آزاد شده ۵۵
۲۷- حق آن کس که بر تونیکی و احسان کرده ۵۵



فهرست مطالب * ۷

۵۷	۲۸- حَقِّ مُؤَدَّن
۵۹	۲۹- حَقِّ اِمَامِ جَمَاعَت
۶۱	۳۰- حَقِّ هَمْمَشِيْن
۶۳	۳۱- حَقِّ هَمْسَايَه
۶۵	۳۲- حَقِّ مَصَاحِبِ وَ رَفِيْق
۶۷	۳۳- حَقِّ شَرِيْك
۶۹	۳۴- حَقِّ مَال
۷۱	۳۵- حَقِّ طَلِبْكَارِيْ كِه مَالِ خُود رَا مَطَالِبَه مِي كَنْد
۷۳	۳۶- حَقِّ كَسِيْ كِه بَا تُو مِعَاشِرَت وَ رِفْت وَ اَمَد دَار د
۷۵	۳۷- حَقِّ شَاكِيْ وَ مَدَّعِيْ
۷۷	۳۸- حَقِّ اَن كَس كِه مُورِد شَكَايَت تُو سَت
۷۹	۳۹- حَقِّ كَسِيْ كِه بَا تُو مَشُوْرَت مِي كَنْد
۸۱	۴۰- حَقِّ مَشَاوِر
۸۱	۴۱- حَقِّ كَسِيْ كِه اَز تُو نَصِيْحَتِيْ طَلِب كَرْدَه
۸۳	۴۲- حَقِّ نَصِيْحَت كِنْنَدَه
۸۵	۴۳- حَقِّ بَزْرگَسَال
۸۵	۴۴- حَقِّ خَرْدَسَال
۸۷	۴۵- حَقِّ سَائِل نِيَاز مَنَد
۸۷	۴۶- حَقِّ كَسِيْ كِه نِيَاز خُود رَا بَه اَوْ اِظْهَار كَرْدَه اِيْ
۸۹	۴۷- حَقِّ كَسِيْ كِه خُدا وَ نَد تُو رَا بَه وَ سِيْلَه اَوْ شَاد فَر مُوْدَه
۹۱	۴۸- حَقِّ اَن كَس كِه بَه تُو جَفَا كَرْدَه
۹۳	۴۹- حَقِّ هَمَكِيْشَان
۹۵	۵۰- حَقِّ اَهْلِ ذَمَّه



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه کتاب

رساله‌ای که اینک در صدد بیان فرازهایی از آن هستیم رساله‌ای است بسیار ارزشمند و نفیس که از مخزن وحی و منبع ملکوت، سرچشمه گرفته و به زبان مبارک معصوم ششم حضرت سجاد، امام زین العابدین، علی بن الحسین علیه آلاف التّحیة و الثّناء جاری شده است.

در این رساله شریفه که حقاً می‌توان آن را یک نظامنامه حقوقی و اخلاقی قیّم نامید. پنجاه مورد از حقوق مهم و اساسی بازگو شده که عظمت و الهی بودن آن از مقایسه با قوانین حقوق بشری کاملاً هویدا و روشن می‌گردد.

چه اینکه! قوانین بشری با تمام گسترش و آب و رنگش، سراپا نقص و اشتباه است و دم زدن از قوانین بین المللی حقوق بشر، جز شعاری تو خالی، و سرابی حیرت‌زا چیز



دیگری نیست، در حالی که قوانین آسمانی هم‌ه‌اش حق و حقیقت بوده و حقوقی که فرستادگان الهی رقم زده‌اند، برخاسته از فطرت اصیل خلقت است، و از جامعیت و اتقانی برخوردارند که هیچگاه دست کوتاه بشر به بلندای آن نخواهد رسید.

لذا تصمیم گرفتیم فرازهایی از این گوهر ناشناخته را در دسترس همگان قرار دهیم، باشد که هر کدام از این حقوق، بصورت تابلویی آموزنده در مساجد و محل‌های مناسب و منازل نصب شده و مورد استفاده و عمل قرار گیرد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه رساله

از ابو حمزه ثمالی روایت شده که این رساله شریفه از سید العابدین و امام الساجدین حضرت علی بن الحسین علیه الصلوة والسلام برای بعضی از اصحابشان صادر شده و به رساله حقوق معروف گشته است.^۱

امام سجّاد علیه السلام در این رساله ابتداءً می فرمایند: بدان - خدا تو را رحمت کند - که خداوند بر تو حقوقی دارد که در هر حرکت و سکونی که داری، یا در هر جایگاه و مقامی که هستی، یا هر عضوی که به استخدام می گیری، آن حقوق بر تو احاطه دارد و از سر تا قدمت را فرا گرفته است. پس برای هر عضوی از اعضایت حقی است و خداوند برای هر فعلی که از تو صادر می گردد حقی قرار داده، و از آن



گذشته بر تو نسبت به دیگران حقوقی واجب فرموده است.
پس خوشا بحال آن کس که خداوند او را کمک نموده و
برای حقوق واجبه اش تسدید و توفیق فرماید.^{۱ و ۲}
سپس حضرت شروع می فرمایند به تشریح تک تک این
حقوق پنجاه گانه که با یک نگاه اجمالی می توان آنها را به سه
بخش تقسیم کرد.

الف: حقوق الهی در رابطه با آنچه خداوند نسبت به ذات
خودش بر انسان واجب فرموده است.

ب: حقوق فردی در رابطه با اعضاء بدن و نیز افعال و
کردارهای فردی

ج: حقوق اجتماعی در رابطه با رهبران سیاسی، مدیران
فرهنگی، اعضاء خانواده و افراد جامعه
و ما اینک به ترجمه و برداشتی از این معدن معرفت و
دریای پُر برکت می پردازیم.



۱- بحار الانوار ج ۷۴ ص ۲ تا ۹ به نقل از خصال جلد ۲ ص ۱۲۶
۲- بحار الانوار ج ۷۴ ص ۱۰ تا ۲۱ به نقل از تحف العقول ص ۲۶۰

متن کامل براه ترجمہ

رسالہ حقوق

حضرت زین العابدین و سید الساجدین

امام علی بن حسین علیہ السلام و اولادہ علیہم السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رساله حقوق

الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ شُعْبَةَ فِي تَحْفِ الْعُقُولِ، فِي مَوَاعِظِ
السَّجَادِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ فِي رِسَالَتِهِ الْمَعْرُوفَةِ بِرِسَالَةِ الْحُقُوقِ اعْلَمْ
رَحِمَكَ اللَّهُ أَنَّ لِلَّهِ عَلَيْكَ حُقُوقًا مُحِيطَةً بِكَ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ
تَحَرَّكْتَهَا أَوْ سَكَنَةً سَكَنْتَهَا أَوْ مَنْزِلَةً نَزَلْتَهَا أَوْ جَارِحَةً قَلَبْتَهَا أَوْ
آلَةً تَصَرَّفْتَ بِهَا بَعْضُهَا أَكْبَرُ مِنْ بَعْضٍ وَأَكْبَرُ حُقُوقِ اللَّهِ
عَلَيْكَ مَا أَوْجَبَهُ لِنَفْسِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مِنْ حَقِّهِ الَّذِي هُوَ
أَصْلُ الْحُقُوقِ وَ مِنْهُ تَفَرَّعَ ثُمَّ أَوْجَبَهُ عَلَيْكَ لِنَفْسِكَ مِنْ
قَرْنِكَ إِلَى قَدَمِكَ عَلَى اخْتِلَافِ جَوَارِحِكَ فَجَعَلَ لِبَصْرِكَ
عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِسَمْعِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِللِّسَانِ عَلَيْكَ حَقًّا وَ



لِيَدِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِرِجْلِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِبَطْنِكَ عَلَيْكَ حَقًّا
 وَ لِفَرْجِكَ عَلَيْكَ حَقًّا فَهَذِهِ الْجَوَارِحُ السَّبْعُ الَّتِي بِهَا تَكُونُ
 الْأَفْعَالُ ثُمَّ جَعَلَ عَزَّ وَ جَلَّ لِأَفْعَالِكَ عَلَيْكَ حُقُوقًا فَجَعَلَ
 لِصَلَاتِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِصَوْمِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِصَدَقَاتِكَ
 عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِهَدْيِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِأَفْعَالِكَ عَلَيْكَ حَقًّا ثُمَّ
 تَخْرُجُ الْحُقُوقُ مِنْكَ إِلَى غَيْرِكَ مِنْ ذَوِي الْحُقُوقِ الْوَاجِبَةِ
 عَلَيْكَ وَ أَوْجِبُهَا عَلَيْكَ حَقُّ أَيْمَتِكَ ثُمَّ حُقُوقُ رَعِيَّتِكَ ثُمَّ
 حُقُوقُ رَحِمِكَ فَهَذِهِ حُقُوقٌ يَتَشَعَّبُ مِنْهَا حُقُوقٌ فَحُقُوقُ
 أَيْمَتِكَ ثَلَاثَةٌ أَوْجِبُهَا عَلَيْكَ حَقُّ سَائِسِكَ بِالسُّلْطَانِ ثُمَّ
 سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ ثُمَّ حَقُّ سَائِسِكَ بِالْمُلْكِ وَ كُلُّ سَائِسٍ إِمَامٌ وَ
 حُقُوقُ رَعِيَّتِكَ ثَلَاثَةٌ أَوْجِبُهَا عَلَيْكَ حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالسُّلْطَانِ
 ثُمَّ حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالْعِلْمِ فَإِنَّ الْجَاهِلَ رَعِيَّةُ الْعَالِمِ وَ حَقُّ
 رَعِيَّتِكَ بِالْمُلْكِ مِنَ الْأَزْوَاجِ وَ مَا مَلَكَتَ مِنَ الْإِيمَانِ وَ
 حُقُوقُ رَحِمِكَ كَثِيرَةٌ مُتَّصِلَةٌ بِقَدْرِ اتِّصَالِ الرَّحِمِ فِي الْقَرَابَةِ
 فَأَوْجِبُهَا عَلَيْكَ حَقُّ أُمِّكَ ثُمَّ حَقُّ أَبِيكَ ثُمَّ حَقُّ وُلْدِكَ ثُمَّ
 حَقُّ أَخِيكَ ثُمَّ الْأَقْرَبُ فَلِأَقْرَبِ وَ الْأَوَّلُ فَلِأَوَّلِ ثُمَّ حَقُّ
 مَوْلَاكَ الْمُنْعَمِ عَلَيْكَ ثُمَّ حَقُّ مَوْلَاكَ الْجَارِي نِعْمَتُهُ عَلَيْكَ ثُمَّ



حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ لَدَيْكَ ثُمَّ حَقُّ مُؤَدِّنِكَ بِالصَّلَاةِ ثُمَّ حَقُّ
إِمَامِكَ فِي صَلَاتِكَ ثُمَّ حَقُّ جَلِيسِكَ ثُمَّ حَقُّ جَارِكَ ثُمَّ حَقُّ
صَاحِبِكَ ثُمَّ حَقُّ شَرِيكَكَ ثُمَّ حَقُّ مَالِكَ ثُمَّ حَقُّ غَرِيمِكَ
الَّذِي تُطَالِبُهُ ثُمَّ حَقُّ غَرِيمِكَ الَّذِي يُطَالِبُكَ ثُمَّ حَقُّ خَلِيطِكَ
ثُمَّ حَقُّ خَضَمِكَ الْمُدْعَى عَلَيْكَ ثُمَّ حَقُّ خَضَمِكَ الَّذِي
تَدْعَى عَلَيْهِ ثُمَّ حَقُّ مُسْتَشِيرِكَ ثُمَّ حَقُّ الْمُسِيرِ عَلَيْكَ ثُمَّ حَقُّ
مُسْتَنْصِحِكَ ثُمَّ حَقُّ النَّاصِحِ لَكَ ثُمَّ حَقُّ مَنْ هُوَ أَكْبَرُ [مِنْكَ]
ثُمَّ حَقُّ مَنْ هُوَ أَصْغَرُ مِنْكَ ثُمَّ حَقُّ سَائِلِكَ ثُمَّ حَقُّ مَنْ سَأَلَتْهُ
ثُمَّ حَقُّ مَنْ جَرَى لَكَ عَلَى يَدَيْهِ مَسَاءَةٌ بِقَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ أَوْ
مَسْرَّةً بِذَلِكَ بِقَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ عَنِ تَعَمُّدٍ مِنْهُ أَوْ غَيْرِ تَعَمُّدٍ مِنْهُ ثُمَّ
حَقُّ أَهْلِ مِلَّتِكَ عَامَّةً ثُمَّ حَقُّ أَهْلِ الذِّمَّةِ ثُمَّ الْحُقُوقُ الْجَارِيَةُ
بِقَدْرِ عِلَلِ الْأَحْوَالِ وَ تَصَرُّفِ الْأَسْبَابِ فَطُوبَى لِمَنْ أَعَانَهُ
اللَّهُ عَلَى قَضَاءِ مَا أَوْجَبَ عَلَيْهِ مِنْ حُقُوقِهِ وَ وَفَّقَهُ وَ سَدَّدَهُ



حَقُّ اللَّهِ

١- فَأَمَّا حَقُّ اللَّهِ الْأَكْبَرُ فَأَنَّكَ تَعْبُدُهُ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا فَإِذَا
فَعَلْتَ ذَلِكَ بِإِخْلَاصٍ جَعَلَ لَكَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَكْفِيكَ أَمْرَ
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَحْفَظَ لَكَ مَا تُحِبُّ مِنْهَا

حَقُّ نَفْسِكَ

٢- وَأَمَّا حَقُّ نَفْسِكَ عَلَيْكَ فَإِنَّ تَسْتَوْفِيهَا فِي طَاعَةِ اللَّهِ
فَتَوَدِّي إِلَى لِسَانِكَ حَقَّهُ وَإِلَى سَمْعِكَ حَقَّهُ وَإِلَى بَصَرِكَ
حَقَّهُ وَإِلَى يَدِكَ حَقَّهَا وَإِلَى رِجْلِكَ حَقَّهَا وَإِلَى بَطْنِكَ حَقَّهُ
وَإِلَى فَرْجِكَ حَقَّهُ وَتَسْتَعِينُ بِاللَّهِ عَلَى ذَلِكَ



۱- اَمَّا حق بزرگ خداوند بر تو اینست که:

او را - بدون ذره‌ای شرک - بندگی کنی.
که چون این پرستش با اخلاص پذیرد، او هم بعهده
می‌گیرد تو را در امور دنیا و آخرت کفایت فرماید، و آنچه را
که دوست داری برای تو حفظ نماید.

حقوق فردی در رابطه با اعضاء بدن

۲- و اَمَّا حق نَفْسَت بر تو - خودت بر خودت - اینست که:

تمام وجود و هستی خود را در طاعت خداوند قرار دهی
و حق تک تک اعضایت را ادا نمایی و در این مهم از خداوند
مدد بگیری.



حَقُّ اللُّسَانِ

٣ - وَ أَمَّا حَقُّ اللُّسَانِ فَاِكْرَامُهُ عَنِ الْخَنَا وَ تَعْوِيدُهُ عَلَى الْخَيْرِ وَ حَمْلُهُ عَلَى الْأَدَبِ وَ إِجْمَامُهُ إِلَّا لِمَوْضِعِ الْحَاجَةِ وَ الْمَنْفَعَةِ لِلدِّينِ وَ الدُّنْيَا وَ إِعْفَاؤُهُ مِنَ الْفُضُولِ الشَّنْعَةِ الْقَلِيلَةِ الْفَائِدَةِ الَّتِي لَا يُؤْمَنُ ضَرَرُهَا مَعَ قِلَّةِ عَائِدَتِهَا وَ يُعَدُّ شَاهِدِ الْعَقْلِ وَ الدَّلِيلِ عَلَيْهِ وَ تَزْيِينِ الْعَاقِلِ بِعَقْلِهِ حُسْنُ سِيرَتِهِ فِي لِسَانِهِ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

حَقُّ السَّمْعِ

٤ - وَ أَمَّا حَقُّ السَّمْعِ فَتَنْزِيهِهُ [عَنْ] أَنْ تَجْعَلَهُ طَرِيقًا إِلَى قَلْبِكَ إِلَّا لِفَوْهَةٍ كَرِيمَةٍ تُحَدِّثُ فِي قَلْبِكَ خَيْرًا أَوْ تُكْسِبُ خُلُقًا كَرِيمًا فَإِنَّهُ بَابُ الْكَلَامِ إِلَى الْقَلْبِ يُودَى بِهِ ضُرُوبُ الْمَعَانِي عَلَى مَا فِيهَا مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ



۳- و اما حقّ زبان بر تو اینست:

- ۱- آن را با باز داشتنش از گفتار زشت، گرامی بدار.
- ۲- و بر خیر و خوبی عادت ده.
- ۳- و به ادب و احترام وادار.
- ۴- و آن را جز در موارد نیاز، و مواضع منفعتِ دین و دنیا، در کام بکش.

۵- و آن را از هر سخن زیاده و زشت و کم فایده‌ای - که از ضررش ایمن نیستی - پاک نگهدار.

آری! زبان شاهد و راهنمایی است بر عقل، چه اینکه جمال شخص عاقل در شیوهٔ بکارگیری زبان اوست، و لا قوّة الا بالله العلیّ العظیم.

۴- و اما حقّ گوش بر تو اینست که:

آن را - چون دریچه‌ای است برای قلب - از هر شنیدنی، پاک و منزّه داری، جز گفتار کریمانه‌ای که در اعماق وجودت خیری را موجب گردد یا خُلق و خوی پسندیده‌ای را ایجاد نماید، چه اینکه گوش، دری است برای ورود گفتارها به قلب، تا هر مفهوم خوب یا بدی را به آن راه دهد، و لا قوّة الا بالله.



حَقُّ بَصْرِكَ

٥ - وَ أَمَّا حَقُّ بَصْرِكَ فَغَضُّهُ عَمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ وَ تَرْكُ
ابْتِدَالِهِ إِلَّا لِمَوْضِعِ عِبْرَةٍ تَسْتَقْبِلُ بِهَا بَصْرًا أَوْ تَعْتَقِدُ بِهَا عِلْمًا
فَإِنَّ الْبَصَرَ بَابُ الْأَعْتِبَارِ

حَقُّ رِجْلِكَ

٦ - وَ أَمَّا حَقُّ رِجْلِكَ فَأَنْ لَا تَمْشِيَ بِهَا إِلَى مَا لَا يَحِلُّ
لَكَ وَ لَا تَجْعَلَهَا مَطِيَّتَكَ فِي الطَّرِيقِ الْمُسْتَحَقَّةِ بِأَهْلِهَا فِيهَا
فَإِنَّهَا حَامِلَتُكَ وَ سَالِكَةٌ بِكَ مَسَلَكَ الدِّينِ وَ السَّبَقِ لَكَ وَ لَا
قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

حَقُّ يَدِكَ

٧ - وَ أَمَّا حَقُّ يَدِكَ فَأَنْ لَا تَبْسُطَهَا إِلَى مَا لَا يَحِلُّ لَكَ
[فَتَنَال] بِمَا تَبْسُطُهَا إِلَيْهِ مِنْ (يَدِ) الْعُقُوبَةِ فِي الْأَجْلِ وَ مِنْ
النَّاسِ بِلِسَانِ اللَّائِمَةِ فِي الْعَاجِلِ وَ لَا تَقْبِضْهَا مِمَّا افْتَرَضَ
اللَّهُ عَلَيْهَا وَ لَكِنْ تُوقِّرْهَا بِقَبْضِهَا عَنْ كَثِيرٍ مِمَّا لَا يَحِلُّ لَهَا وَ
تَبْسُطْهَا إِلَى كَثِيرٍ مِمَّا لَيْسَ عَلَيْهَا فَإِذَا هِيَ قَدْ عَقَلَتْ وَ
شُرِفَتْ فِي الْعَاجِلِ وَ جَبَّ لَهَا حُسْنُ الثَّوَابِ مِنَ اللَّهِ فِي
الْأَجْلِ



۵- و اما حقّ چشم بر تو اینست که:

- ۱- آن را از آنچه بر تو حلال نیست فرو بندی.
- ۲- و جز در موارد عبرت که مایه بصیرت یا استفاده علمی است بکار نگیری که همانا چشم، گذرگاه عبرتها و پند آموزی هاست.

۶- و اما حقّ پا بر تو اینست که:

- ۱- به سوی آنچه بر تو حلال نیست گام بر نداری.
- ۲- و آن را در مسیری که موجب ذلّت و حقارت است مرکب خود نسازی، چه اینکه پاها برای حمل توست در مسیر دین و سبقت بر دیگران، و لا قوّة الا بالله.

۷- و اما حقّ دست بر تو اینست که:

- ۱- آن را به آنچه حلال نیست نگشائی که موجب عقاب الهی در آخرت، و ملامت مردم در دنیا خواهد شد.
- ۲- و آن را از آنچه خداوند بر تو واجب فرموده باز مداری.. و بالاتر آنکه -
- ۳- حرمت دست را با نگه داشتنش از بسیاری از امور حلال - مانند مکروهات - پاس نهی.
- ۴- و آن را در بسیاری از امور غیر واجب - مانند مستحبات - بکارگیری پس چون دست تو در این دنیا - از کارهای حرام - بسته ماند و با شرافت بکار گرفته شود، بهترین پاداش الهی در قیامت برای آن خواهد بود.



حَقُّ بَطْنِكَ

٨- وَأَمَّا حَقُّ بَطْنِكَ فَأَنْ لَا تَجْعَلَهُ وَعَاءً لِقَلِيلٍ مِنَ الْحَرَامِ
وَلَا لِكَثِيرٍ وَأَنْ تَقْتَصِرَ لَهُ فِي الْحَلَالِ وَلَا تُخْرِجَهُ مِنْ حَدِّ
التَّقْوِيَةِ إِلَى حَدِّ التَّهْوِينِ وَذَهَابِ الْمُرُوَّةِ وَضَبْطُهُ إِذَا هَمَّ
بِالْجُوعِ وَالظَّمَا فَإِنَّ الشَّبْعَ الْمُتْتَهِيَ بِصَاحِبِهِ [إِلَى التَّخَمِ]
مَكْسَلَةٌ وَمُثَبِّطَةٌ وَمَقْطَعَةٌ عَنِ كُلِّ بَرٍّ وَكَرَمٍ وَأَنَّ الرِّيَّ
الْمُتْتَهِيَ بِصَاحِبِهِ إِلَى السُّكْرِ مَسْخَفَةٌ وَمَجْهَلَةٌ وَمَذْهَبَةٌ
لِلْمُرُوَّةِ

حَقُّ فَرْجِكَ

٩- وَأَمَّا حَقُّ فَرْجِكَ فَحِفْظُهُ مِمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ وَ
الاسْتِعَانَةُ عَلَيْهِ بِعَضِّ الْبَصْرِ فَإِنَّهُ مِنْ أَعْوَانِ الْأَعْوَانِ وَضَبْطُهُ
إِذَا هَمَّ بِالْجُوعِ وَالظَّمَا وَكَثْرَةَ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَالتَّهَدُّدِ لِنَفْسِكَ
بِاللَّهِ وَالتَّخْوِيفِ لَهَا بِهِ وَبِاللَّهِ الْعِصْمَةَ وَالتَّأْيِيدَ وَلَا حَوْلَ وَ
لَا قُوَّةَ إِلَّا بِهِ



۸- و اما حق شکم بر تو اینست که:

۱- آن را ظرفی برای حرام، چه کم باشد چه زیاد، قرار ندهی.

۲- بلکه در غذای حلال هم راه میانه را پیمائی.

۳- و از حدّ اعتدال که همان تقویت بدن است، به جانب کم خوری - که موجب سستی است - و به جانب پر خوری - که سبب از دست دادن مروّت است - نگرایی.

چه اینکه سیری بیش از حدّ که موجب سنگینی و سوء هاضمه گردد، همانا کسالت آور و مانع از هر کار خیر و هر عمل کریمانه می شود، و همچنین سیرابی بیش از حد - که انسان را به مستی می کشاند - موجب ضعف و رنجوری، و مایه کند ذهنی و از بین رفتن جوانمردی خواهد شد.

۹- و اما حقّ اندام جنسی بر تو اینست که:

۱- آنرا از آنچه بر تو حلال نیست باز داری.

۲- و آنرا با چشم پوشی از مناظر شهوت انگیز یاری دهی که این بهترین کمک است.

۳- و چون خودسری آغاز کرد آن را با گرسنگی و تشنگی - روزه - مهار کنی.

۴- و با فراوان یاد مرگ کردن و تهدید نفس به کیفرهای الهی و ترساندن خود از خدای تعالی آن را ضبط نمائی.

و - بدان - آلوده نشدن به گناه و کمک - در انجام وظیفه - تنها از ناحیه خداوند است، و لا حول و لا قوه الاّ به.



ثُمَّ حُقُوقُ الْأَفْعَالِ

حَقُّ الصَّلَاةِ

١٠ - فَأَمَّا حَقُّ الصَّلَاةِ فَمَا تَعَلَّمَ أَنَّهَا وَفَادَةٌ إِلَى اللَّهِ وَ
أَنَّكَ قَائِمٌ بِهَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ فَإِذَا عَلِمْتَ ذَلِكَ كُنْتَ خَلِيقًا أَنْ
تَقُومَ فِيهَا مَقَامَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ الرَّاغِبِ الرَّاهِبِ الْخَائِفِ
الرَّاجِي الْمِسْكِينِ الْمُتَضَرِّعِ الْمُعْظَمِ مَنْ قَامَ بَيْنَ يَدَيْهِ
بِالسُّكُونِ وَالْإِطْرَاقِ وَخُشُوعِ الْأَطْرَافِ وَلِينِ الْجَنَاحِ وَ
حُسْنِ الْمُنَاجَاةِ لَهُ فِي نَفْسِهِ وَالطَّلَبِ إِلَيْهِ فِي فَكَأكَ رَقَبَتِكَ
الَّتِي أَحَاطَتْ بِهَا خَطِيئَتُكَ وَاسْتَهْلَكَتْهَا ذُنُوبُكَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا
بِاللَّهِ



حقوق فردی در رابطه با افعال و کردار

۱۰- و اما حقّ نماز بر تو اینست که بدانی:

۱- نماز، بار یافتن به محضر الهی است، و تو در پیشگاه عظمت او ایستاده و حضور داری، پس چون به این امر توجه کردی.

۲- شایسته است که در برابر او به حال ذلّت و پستی، میل و ترس، بیم و امید، توأم با مسکنت و زاری بایستی.

۳- و برای بزرگداشت مقام او با آرامش و سکون، چشم ادب پایین اندازی.

۴- و اعضاء خود را به حال خشوع درآوری.

۵- و قلبت را با کمال نرمی متوجه او سازی.

۶- و به مناجات با او بپردازی.

۷- و نجات خود را از گناہانی که تو را فرا گرفته و جان تو را مُشرف بر هلاک کرده‌اند، طلب کنی، و لا قوّة الا بالله.



حَقُّ الصَّوْمِ

١١ - وَ أَمَّا حَقُّ الصَّوْمِ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ حِجَابٌ ضَرَبَهُ اللَّهُ
عَلَى لِسَانِكَ وَ سَمْعِكَ وَ بَصَرِكَ وَ فَرْجِكَ وَ بَطْنِكَ لِيَسْتُرَكَ
بِهِ مِنَ النَّارِ وَ هَكَذَا جَاءَ فِي الْحَدِيثِ الصَّوْمُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ
فَإِنْ سَكَنْتَ أَطْرَافَكَ فِي حِجْبَتِهَا رَجَوْتَ أَنْ تَكُونَ مَحْجُوبًا
وَ إِنْ أَنْتَ تَرَكْتَهَا تَضَطَّرَبُ فِي حِجَابِهَا وَ تَرْفَعُ جَنَابَاتِ
الْحِجَابِ فَتَطَّلِعُ إِلَى مَا لَيْسَ لَهَا بِالنَّظَرِ الدَّاعِيَةَ لِلشَّهْوَةِ وَ
الْقُوَّةَ الْخَارِجَةَ عَنِ حُدِّ التَّقِيَّةِ لِلَّهِ لَمْ تَأْمَنْ أَنْ تَخْرُقَ
[الْحِجَابَ] وَ تَخْرُجَ مِنْهُ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ



۱۱- و اما حقّ روزه بر تو اینست که بدانی:

روزه حجاب و پرده‌ای است که خداوند بر زبان و گوش و چشم، اندام جنسی و شکم تو قرار داده تا تو را از آتش جهنّم محفوظ بدارد، که در حدیث چنین آمده «روزه سپری است برای آتش».

پس اگر اعضاء تو در این حجابها ساکن شد و آرام گرفت، امید است از آتش رهیده باشی، و اما اگر آنها را رها کردی تا ناآرامی آغاز کنند و از پشت این پرده‌ها سر بکشند، و با نگاههای شهوت آفرین، یا رفتارهای خارج از حدّ تقوی، تجاوز کنند؛ در امان مباش که حجاب بین تو و آتش پاره گردد و تواز حیطة مصونیت الهی خارج گردی! و لا قوّة الا بالله.



حَقُّ الصَّدَقَةِ

١٢- وَأَمَّا حَقُّ الصَّدَقَةِ فَإِنَّ تَعَلَّمَ أَنَّهَا ذُخْرُكَ عِنْدَ رَبِّكَ وَ
وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَحْتَاجُ إِلَى الْإِشْهَادِ فَإِذَا عَلِمْتَ ذَلِكَ كُنْتَ
بِمَا اسْتَوْدَعْتَهُ سِرًّا أَوْ ثَقَّ بِمَا اسْتَوْدَعْتَهُ عَلَانِيَةً وَ كُنْتَ جَدِيرًا
أَنْ تَكُونَ أَسْرَرْتَ إِلَيْهِ أَمْرًا أَعْلَنْتَهُ وَ كَانَ الْأَمْرُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ
فِيهَا سِرًّا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ لَمْ تَسْتَظْهِرْ عَلَيْهِ فِيمَا اسْتَوْدَعْتَهُ
مِنْهَا إِشْهَادَ الْأَسْمَاعِ وَ الْأَبْصَارِ عَلَيْهِ بِهَا كَانَتْهَا أَوْ ثَقَّ فِي
نَفْسِكَ لَا كَانَتْكَ لَا تَثِقُ بِهِ فِي تَادِيَةِ وَ دِيعَتِكَ إِلَيْكَ ثُمَّ لَمْ
تَمَنَّ بِهَا عَلَى أَحَدٍ لِأَنَّهَا لَكَ فَإِذَا امْتَنَنْتَ بِهَا لَمْ تَأْمَنْ أَنْ
تَكُونَ بِهَا مِثْلَ تَهْجِينِ حَالِكَ مِنْهَا إِلَى مَنْ مَنَّتَ بِهَا عَلَيْهِ لِأَنَّ
فِي ذَلِكَ دَلِيلًا عَلَى أَنَّكَ لَمْ تُرِدْ نَفْسَكَ بِهَا وَ لَوْ أَرَدْتَ
نَفْسَكَ بِهَا لَمْ تَمَنَّ بِهَا عَلَى أَحَدٍ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ



۱۲- و اما حق صدقه بر تو اینست که بدانی:

۱- صدقه ذخیره و پس انداز توست نزد پروردگارت.

۲- و سپرده‌ای است که نیاز به شاهد ندارد.

پس چون این امر را دانستی:

۳- به آنچه مخفیانه سپرده‌ای مطمئن تر خواهی بود از

آنچه آشکارا پرداخته‌ای.

۴- بلکه سزاوار می‌دانی آنچه را هم که قبلاً آشکار

کرده‌ای مخفی بداری تا پیوسته این مسأله بین تو و او سرّی

ناگفته باقی بماند.

۵- و هرگز در نهفته‌هایت پشت گرم به شنیدن یا دیدن

شاهدی مباش که اگر چنین کنی گویا آن شاهد را در نظر خود

موثّق تر دانسته‌ای و به خدای تعالی اطمینان نکرده‌ای که

سپرده‌ات را باز گرداند.

۶- و نیز در صدقه بر هیچ کس منت مگذار، چه اینکه

صدقه برای خود توست و چون منت گذاشتی در امان مباش

که به روزگار همان صدقه گیرنده گرفتار آیی!!

چرا که منت در صدقه دلیل است بر اینکه آنرا برای

خودت نیندوخته‌ای، که اگر برای خودت بود، منت بر

دیگران معنا نداشت و لا قوّة الا بالله.



حَقُّ الْهَدْيِ

١٣ - وَأَمَّا حَقُّ الْهَدْيِ فَنَنْتَهِجُ بِهَا الْإِرَادَةَ إِلَى رَبِّكَ
وَالْتَعَرُّضَ لِرَحْمَتِهِ وَقَبُولَهُ وَلَا تُرِيدُ عَيْنَ النَّاطِرِينَ دُونَهُ
فَإِذَا كُنْتَ كَذَلِكَ لَمْ تَكُنْ مُتَّكِلًا وَلَا مُتَّصِنًا وَكُنْتَ إِنَّمَا
تَقْصِدُ إِلَى اللَّهِ وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يُرَادُ بِالسَّيْرِ وَلَا يُرَادُ بِالْعَسِيرِ
كَمَا أَرَادَ بِخَلْقِهِ التَّيْسِيرَ وَلَمْ يُرِدْ بِهِمُ التَّعْسِيرَ وَكَذَلِكَ
التَّذَلُّلُ أَوْلَى بِكَ مِنَ التَّدَهُّقِ لِأَنَّ الْكُلْفَةَ وَالْمُتُونَةَ فِي
الْمُتَدَهِّقِينَ فَمَا التَّذَلُّلُ وَالتَّمَسُّكُ فَلَا كُلْفَةَ فِيهِمَا وَلَا
مُتُونَةَ عَلَيْهِمَا لِأَنَّهِمَا الْخَلْقَةُ وَهُمَا مَوْجُودَانِ فِي الطَّبِيعَةِ وَلَا
قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ



۱۳- و اما حق قربانی بر تو اینست که:

- ۱- در آن تنها پروردگارت را اراده کنی.
- ۲- و خود را در معرض رحمت و قبول او درآوری.
- ۳- و جلب نظر دیگران در مقابل خدا، هدف تو نباشد. و چون چنین باشی دیگر خود را به زحمت نمی اندازی و در دام ریا نمی افتی بلکه فقط خدا را در نظر می گیری و بس و بدان! آهنگ خدا کردن «و او را هدف و مقصود قرار دادن»، با امور ساده و آسانی حاصل خواهد شد و لزومی به تحمّل مشکلات و سختی ندارد، همانطور که خداوند هم از آفریده های خود «آسانی» و «راحتی» را اراده فرموده و سختی را برای آنها نمی پسندد.
- ۴- و نیز قربانی - بلکه همه اعمال تو - باید همراه با خاکساری و تواضع باشد نه گردنفرازی و خان منشی، چه اینکه در تکبر، رنج و مشقت است بخلاف تواضع و مسکنت که در آن رنج و زحمتی وجود ندارد و با فطرت و طبیعت آدمی، موافق و سازگار است، و لا قوّة الا بالله.



ثُمَّ حُقُوقُ الْأَيْمَةِ

حَقُّ سَائِسِكَ بِالسُّلْطَانِ

١٤ - فَأَمَّا حَقُّ سَائِسِكَ بِالسُّلْطَانِ فَإِنَّ تَعَلَّمَ أَنَّكَ جُعِلْتَ
لَهُ فِتْنَةً وَ أَنَّهُ مُبْتَلَىٰ فِيكَ بِمَا جَعَلَهُ اللَّهُ [لَهُ] عَلَيْكَ مِنَ
السُّلْطَانِ وَ أَنْ تُخْلِصَ لَهُ فِي النَّصِيحَةِ وَ أَنْ لَا تُمَاحِكُهُ وَ قَدْ
بُسِطَتْ يَدُهُ عَلَيْكَ فَتَكُونَ سَبَبَ هَلَاكِ نَفْسِكَ وَ هَلَاكِهِ وَ
تَدَلُّلٍ وَ تَلَطُّفٍ لِإِعْطَائِهِ مِنَ الرِّضَىٰ مَا يَكْفُهُ عَنكَ وَ لَا يُضِرُّ
بِدِينِكَ وَ تَسْتَعِينُ عَلَيْهِ فِي ذَلِكَ بِاللَّهِ وَ لَا تُعَادِهِ وَ لَا تُعَانِدُهُ
فَإِنَّكَ إِنْ فَعَلْتَ ذَلِكَ عَقَقْتَهُ وَ عَقَقْتَ نَفْسَكَ فَعَرَضْتَهَا
لِمَكْرُوهِهِ وَ عَرَضْتَهُ لِلْهَلَاكِهِ فِيكَ وَ كُنْتَ خَلِيقًا أَنْ تَكُونَ
مُعِينًا لَهُ عَلَىٰ نَفْسِكَ وَ شَرِيكًا لَهُ فِيمَا آتَىٰ إِلَيْكَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا
بِاللَّهِ



حقوق اجتماعی

۱۴- و اما حق حاکم و کارپرداز امور سیاسی بر تو اینست که بدانی:

۱- تو مایه آزمایش او هستی و چون خداوند او را بر تو مسلط فرموده از او امتحان خواهد کرد.

۲- و خالصانه خیر خواه او باش.

۳- و از در ستیزه و لجاجت با او وارد نشو، چه اینکه دست او بر تو باز است و بدین ترتیب، سبب هلاکت خود و هلاک او خواهی شد.

۴- و در مقابل عطایای او همین قدر کوچکی و مهربانی کن که تو را کفایت کند و به دین تو ضرری نرساند و در این مهم از خداوند کمک بگیر.

۵- و در صدد غلبه بر او مباش.

۶- و با او دشمنی مکن که حرمت او و خودت شکسته می شود، پس تو در معرض کراهت او قرار خواهی گرفت و او هم دستخوش هلاکت خواهد شد.

۷- و سزاوار است که او را به زیان خودت یاری دهی.

۸- و در آنچه با تو می کند شریک خود سازی و لا قوه الا

بالله.



حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ

١٥ - وَأَمَّا حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ فَالْتَعَظِيمُ لَهُ وَالتَّوْقِيرُ
لِمَجْلِسِهِ وَحُسْنُ الاسْتِمَاعِ إِلَيْهِ وَالْقَبَالُ عَلَيْهِ وَالمُعُونَةُ لَهُ
عَلَى نَفْسِكَ فِيمَا لَا غِنَى بِكَ عَنْهُ مِنَ الْعِلْمِ بِأَنْ تُفَرِّغَ لَهُ
عَقْلَكَ وَتُحَضِّرَهُ فَهَمَّكَ وَتُذَكِّبِي لَهُ [قَلْبَكَ] وَتُجَلِّيَ لَهُ
بَصَرَكَ بِتَرْكِ اللذاتِ وَنَقْصِ الشَّهَوَاتِ وَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّكَ فِيمَا
أَلْقَى إِلَيْكَ رَسُولُهُ إِلَى مَنْ لَقِيكَ مِنْ أَهْلِ الْجَهْلِ فَلَزِمَكَ
حُسْنَ التَّادِيَةِ عَنْهُ إِلَيْهِمْ وَ لَا تَخُنْهُ فِي تَادِيَةِ رِسَالَتِهِ وَ الْقِيَامِ
بِهَا عَنْهُ إِذَا تَقَلَّدْتَهَا

«و زاد فى الخصال:»

وَأَنْ لَا تَرْفَعَ عَلَيْهِ صَوْتَكَ وَ لَا تُجِيبَ أَحَدًا يَسْأَلُهُ عَنْ
شَيْءٍ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الَّذِي يُجِيبُ وَ لَا تُحَدِّثَ فِي مَجْلِسِهِ
أَحَدًا وَ لَا تَغْتَابَ عِنْدَهُ أَحَدًا وَ أَنْ تَدْفَعَ عَنْهُ إِذَا ذُكِرَ عِنْدَكَ
بِسُوءٍ وَ أَنْ تَسْتُرَ عُيُوبَهُ وَ تُظْهِرَ مَنَاقِبَهُ وَ لَا تُجَالِسَ لَهُ عَدُوًّا
وَ لَا تُعَادِي لَهُ وَ لِيَا فَاذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ شَهِدْتَ لَكَ مَلَائِكَةُ اللَّهِ
عَزَّ وَ جَلَّ بِأَنَّكَ قَصَدْتَهُ وَ تَعَلَّمْتَ عِلْمَهُ لِلَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ اسْمُهُ
لَا لِلنَّاسِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ



۱۵- و اما حق آموزگارت بر تو اینست:

- ۱- او را تعظیم کن.
 - ۲- و مجلسش را محترم بشمار.
 - ۳- و به سخنانش گوش جان بسپار.
 - ۴- و با توجه با او روبرو شو.
 - ۵- و او را در آموزشی که از آن بی نیاز نیستی یاری ده.
به این نحو که:
 - ۶- هوش و حواس خود را برای او آماده و فارغ کن.
 - ۷- و فهم و درک خود را بکارگیر.
 - ۸- و قلب خود را برای او پاکیزه گردان.
 - ۹- و چشم خود را با ترک لذتها و رهاکردن شهوات به او بدوز و پرنور کن.
و اینکه بدانی:
 - ۱۰- تو نماینده و فرستاده او هستی به سوی جاهلانی که تو را برای کسب دانش ملاقات می کنند تا آنچه را آموخته ای به خوبی به آنها بیاموزی.
 - ۱۱- و در انجام این رسالت خیانت نوز.
 - مرحوم شیخ صدوق در خصال اضافه می کند:
 - ۱۲- و در محضرش صدای خود را بلند مکن.
 - ۱۳- و اگر کسی از او پرسشی نمود تو پاسخ نده تا او خود پاسخ گوید.
 - ۱۴- و در حضورش با کسی سخن مگوی.
 - ۱۵- و پیش او کسی را غیبت نکن.
 - ۱۶- و اگر نزد تو از او بدی گفتند از وی دفاع کن.
 - ۱۷- و عیب او را بپوشان.
 - ۱۸- و مناقبش را آشکار ساز.
 - ۱۹- و با دشمن او رفت و آمد مکن.
 - ۲۰- و دوستان او را دشمن نگیر.
- پس اگر چنین کردی فرشتگان گواهی خواهند داد که تو در این امر
خدای تعالی را قصد کرده ای و برای او به علم آموزی پرداخته ای نه برای
مردم. و لا حول و لا قوه الا بالله.



حَقُّ سَائِسِكَ بِالْمُلْكِ

١٦ - وَأَمَّا حَقُّ سَائِسِكَ بِالْمُلْكِ فَانْحَوْ مَنْ سَائِسُكَ
بِالسُّلْطَانِ إِلَّا أَنْ هَذَا يَمْلِكُ مَا لَا يَمْلِكُهُ ذَاكَ تَلْزِمُكَ طَاعَتُهُ
فِيمَا دَقَّ وَجَلَّ مِنْكَ (إِلَّا أَنْ يُخْرِجَكَ مِنْ وَجُوبِ حَقِّ اللَّهِ
وَ يَحُولَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ حَقِّهِ) وَ حُقُوقِ الْخَلْقِ فَإِذَا قَضَيْتَهُ
رَجَعْتَ إِلَى حَقِّهِ فَتَشَاغَلْتَ بِهِ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

ثُمَّ حُقُوقِ الرَّعِيَّةِ

حُقُوقِ رَعِيَّتِكَ بِالسُّلْطَانِ

١٧ - فَأَمَّا حُقُوقُ رَعِيَّتِكَ بِالسُّلْطَانِ فَإِنْ تَعَلَّمَ أَنَّكَ إِنَّمَا
اسْتَرْعَيْتَهُمْ بِفَضْلِ قُوَّتِكَ عَلَيْهِمْ فَإِنَّهُ إِنَّمَا أَحَلَّهُمْ مَحَلَّ الرَّعِيَّةِ
لَكَ ضَعْفُهُمْ وَ ذُلُّهُمْ فَمَا أَوْلَى مَنْ كَفَاكَ ضَعْفُهُ وَ ذُلُّهُ حَتَّى
صَيَّرَهُ لَكَ رَعِيَّةً وَ صَيَّرَ حُكْمَكَ عَلَيْهِ نَافِذًا لَا يَمْتَنِعُ مِنْكَ
بِعِزَّةٍ وَ لَا قُوَّةٍ وَ لَا يَسْتَنْصِرُ فِيمَا تَعَاظَمَهُ مِنْكَ إِلَّا بِاللَّهِ
بِالرَّحْمَةِ وَ الْحَيَاةِ وَ الْأَنَانَةِ وَ مَا أَوْلَاكَ إِذَا عَرَفْتَ مَا أَعْطَاكَ
اللَّهُ مِنْ فَضْلِ هَذِهِ الْعِزَّةِ وَ الْقُوَّةِ الَّتِي فَهَرَّتْ بِهَا أَنْ تَكُونَ لِلَّهِ
شَاكِرًا وَ مَنْ شَكَرَ اللَّهَ أَعْطَاهُ فِيمَا أَنْعَمَ عَلَيْهِ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ



۱۶- و اما حق مالک تو بر تو:

شبیهِ حقّ مدیران سیاسی جامعه بر توست با این زیاده که او مالک رقبه توست پس باید در ریز و درشت کارها از او اطاعت کنی مگر اینکه او بخواهد تو را از ایتیان واجب الهی خارج سازد که در این صورت «حق الله» بین تو و حق او یا حق سایر مردم مانع می‌گردد.

پس چون حق خدا را بجای آوردی به انجام حق مالک خود رجوع کن و به آن همّت گمار و لا قوّة الا بالله.

۱۷- و اما حق رعیت تو اینست که بدانی:

تو به برکت توانمندی‌های آنها را رعیت خود کرده‌ای و آنها نیز به جهت ضعف و ذلتشان رعیت و فرمانبردار تو شده‌اند پس چقدر سزاوار رحمت و حفاظت و بردباری است کسی که با ضعف و ذلت خود تو را کفایت نموده تا جایی که خود را رعیت تو قرار داده و فرمانت را بر خود مسلط کرده و هیچ عزّت و قدرتی را از تو نسبت به خود جلوگیری نمی‌کند و در هیچ عظمت جویی از کسی جز خدا یاری نمی‌طلبد.

اینک که عطای الهی را در این عزّت و شوکت خود شناختی و دانستی که قهر و غلبه‌ات بجهت فضل خداوند است سزاوار است که خدا را شاکر باشی که هرکس او را شکرگزار باشد او هم بر نعمتش بیفزاید و لا قوّة الا بالله.



حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالْعِلْمِ

١٨ - وَ أَمَّا حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالْعِلْمِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ
جَعَلَكَ لَهُمْ فِيمَا آتَاكَ مِنَ الْعِلْمِ وَ وِلَاكَ مِنْ خِرَانَةِ الْحِكْمَةِ
فَإِنْ أَحْسَنْتَ فِيمَا وِلَاكَ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ وَ قُفِّتَ بِهِ لَهُمْ مَقَامَ
الْحَازِنِ الشَّفِيقِ النَّاصِحِ لِمَوْلَاهُ فِي عِبِيدِهِ الصَّابِرِ الْمُحْتَسِبِ
الَّذِي إِذَا رَأَى ذَا حَاجَةٍ أَخْرَجَ لَهُ مِنَ الْأَمْوَالِ الَّتِي فِي يَدَيْهِ
[كُنْتَ] رَاشِدًا وَ كُنْتَ لِذَلِكَ أَمِلًا مُعْتَقِدًا وَ إِلَّا كُنْتَ لَهُ حَائِنًا وَ
لِخَلْقِهِ ظَالِمًا وَ لِسَلْبِهِ وَ عِزِّهِ مُتَعَرِّضًا



۱۸- و اما حق شاگردانت بر تو اینست که بدانی:

خدای متعال تو را - در آنچه به تو آموخته و از خزانه حکمتش بهره‌مند ساخته - سرپرست آنان قرار داده است. پس اگر در آنچه خداوند به تو سپرده نیکو رفتار کردی و برای شاگردانت همچون خزانه‌دار شفیق و مهربان بودی و مانند شخص خیرخواه مولا عمل کردی - که نسبت به بردگانش صبوری می‌کند و از اموالی که در اختیار دارد برای رشد و صلاح نیازمندان خرج می‌نماید - و در این وظیفه، پاداش الهی را آرزو کردی و به آن عقیده‌مند شدی - پس حسن رفتار خود را به اثبات رسانده‌ای - و الا خائنی بیش نیستی که به خلق خدا ظلم کرده‌ای و متعرض سلب نعمت و فریب آنها شده‌ای و در معرض سلب نعمت و پنجه قدرت او واقع شده‌ای.



حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِمِلْكِكَ

١٩ - وَ أَمَّا حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِمِلْكِكَ النِّكَاحِ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ
جَعَلَهَا سَكَنًا وَ مُسْتَرَا حًا وَ أُنْسًا وَ وَاقِيَةً وَ كَذَلِكَ كُلُّ وَاحِدٍ
مِنْكُمْ يَجِبُ أَنْ يَحْمَدَ اللَّهَ عَلَى صَاحِبِهِ وَ يَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ
نِعْمَةٌ مِنْهُ عَلَيْهِ وَ وَجِبَ أَنْ يُحْسِنَ صُحْبَةَ نِعْمَةِ اللَّهِ وَ يُكْرِمَهَا
وَ يَرْفُقَ بِهَا وَ إِنْ كَانَ حَقُّكَ عَلَيْهَا أَغْلَظَ وَ طَاعَتُكَ بِهَا أَلْزَمَ
فِيمَا أَحَبَّتْ وَ كَرِهَتْ (مَا لَمْ تَكُنْ) مَعْصِيَةً فَإِنَّ لَهَا حَقَّ
الرَّحْمَةِ وَ الْمُؤَانَسَةِ وَ مَوْضِعَ السُّكُونِ إِلَيْهَا قَضَاءَ اللَّذَّةِ الَّتِي
لَا بُدَّ مِنْ قَضَائِهَا وَ ذَلِكَ عَظِيمٌ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ



۱۹- و اَمَّا حَقُّ هَمْسِرٍ (زوجات) بر تو اینست که بدانی:

۱- خداوند او را مایه آرامش و آسایش و انس و حفاظت تو قرار داده.

۲- پس بر هر یک از شما دو نفر واجب است که خدای متعال را به خاطر وجود دیگری سپاسگزار باشد.

۳- و بدانند که این ارتباط و همسری نعمتی است از جانب خدا و باید با این نعمت الهی به نیکوئی مصاحبت نمود.

۴- پس همسرت را گرامی بدار.

۵- و با او به رفق و مدارا رفتار کن. گرچه حق تو بر او سنگین تر و اطاعت از تو در آنچه می پسندی یا مکروه می درای - تا هنگامی که مخالف با فرمان خدا نباشد - بر او لازم تر است.

۶- و او هم بر تو حقّ ترحمّ و مؤانست دارد چه اینکه او آرام بخش توست و نیاز کامجویی تو را بر آورده می کند و این مسئله ای است بس بزرگ و پراهمیت. و لا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ.



حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِمِلْكِكَ

٢٠- وَأَمَّا حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِمِلْكِكَ الْيَمِينِ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ خَلَقَ
رَبِّكَ وَ لَحْمَكَ وَ دَمَكَ وَ أَنْكَ تَمْلِكُهُ لَا أَنْتَ صَنَعْتَهُ دُونَ
اللَّهِ وَ لَا خَلَقْتَ لَهُ سَمْعًا وَ لَا بَصَرًا وَ لَا أَجْرِيَّتَ لَهُ رِزْقًا وَ
لَكِنَّ اللَّهَ كَفَاكَ ذَلِكَ بِمَنْ سَخَّرَهُ لَكَ وَ ائْتَمَنَكَ عَلَيْهِ وَ
اسْتَوَدَعَكَ إِيَّاهُ لِتَحْفَظَهُ فِيهِ وَ تَسِيرَ فِيهِ بِسِيرَتِهِ فَتُطْعِمَهُ مِمَّا
تَأْكُلُ وَ تُلْبَسُهُ مِمَّا تُلْبَسُ وَ لَا تُكَلِّفُهُ مَا لَا يُطِيقُ فَإِنْ كَرِهْتَ
خَرَجْتَ إِلَى اللَّهِ مِنْهُ وَ اسْتَبَدَلْتَ بِهِ وَ لَمْ تُعَذِّبْ خُلُقَ اللَّهِ وَ
لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ



فَحَقُّ أُمَّكَ

٢١ - وَ أَمَّا حَقُّ الرَّحِمِ فَحَقُّ أُمَّكَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ

حَيْثُ لَا يَحْمِلُ أَحَدٌ

أَحَدًا وَ أَطْعَمَتْكَ مِنْ ثَمَرَةِ قَلْبِهَا مَا لَا يُطْعِمُ أَحَدٌ أَحَدًا وَ
أَنَّهُا وَفَّتَكَ بِسَمْعِهَا وَ بَصَرِهَا وَ يَدِهَا وَ رِجْلِهَا وَ شَعْرِهَا وَ
بَشْرِهَا وَ جَمِيعِ جَوَارِحِهَا مُسْتَبْشِرَةً بِذَلِكَ فَرِحَةَ مُؤَمِّلَةٍ
مُحْتَمِلَةٍ لِمَا فِيهِ مَكْرُوهُهَا وَ أَلْمَهَا وَ ثِقْلُهَا وَ غَمُّهَا حَتَّى
دَفَعَتْهَا عَنْكَ يَدُ الْقُدْرَةِ وَ أَخْرَجَتْ إِلَى الْأَرْضِ فَرَضِيَّتَ أَنْ
تَشْبَعَ وَ تَجُوعَ هِيَ وَ تَكْسُوكَ وَ تَعْرَى وَ تُرْوِيكَ وَ تَظْمَأَ وَ
تُظْلِكَ وَ تَضْحَى وَ تُعَمِّكَ بِبُؤْسِهَا وَ تُلْدُذُكَ بِالنُّومِ بَارِقِهَا وَ
كَانَ بَطْنُهَا لَكَ وِعَاءً وَ حُجْرُهَا لَكَ حِوَاءً وَ نَدِيْهَا لَكَ سِقَاءً
وَ نَفْسُهَا لَكَ وِقَاءً تُبَاشِرُ حَرَّ الدُّنْيَا وَ بَرْدَهَا لَكَ وَ دُونَكَ
فَتَشْكُرُهَا عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ وَ لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ وَ

تَوْفِيْقِهِ



۲۱- و اَمَّا حَقُّ مَادِرْتِ بِرِ تُو اَیْنِسْتِ کِه بَدَانِی:

۱- او تو را در حالی حمل کرد که هیچکس، دیگری را بدان حال حمل نکند.

۲- و تو را به گونه‌ای از شیرۀ جانش تغذیه نمود که هیچکس چنین ننماید.

۳- و برآستی که او با تمام وجود، با گوش و چشم و دست و پا و مو و پوست و جمیع اعضایش، از تو محافظت کرد.

۴- و از تحمّل همهٔ این رنجها شادمان بود.

۵- و تمام گرفتاریها و سختی‌های جانکاه از درد و سنگینی و غصّه را بجان خرید تا دست پر قدرت خداوندی تو را از او جدا ساخته - و زایمان صورت گرفت -.

۶- او راضی شد تو سیر باشی و خود گرسنه بماند، تو پوشیده باشی و او برهنه باشد، تو سیراب باشی و او تشنگی بکشد و تو در سایه باشی و او در تیغ آفتاب بسوزد و تو راحت بوده او به ناراحتی بسر برد، و تو به خواب ناز روی و او با بیخوابی دست و پنجه نرم کند.

۷- شکم او همچون ظرفی، تو را در خود نگاه داشت و دامنش استراحتگاه تو و سینه‌اش آبشخوار تو بود.

۸- او تو را به قیمت جانش حفظ کرد و سرما و گرما را به خاطر تو بجان خرید.

۹- پس بر این همه محبت و جانفشانی سپاسگزار باش که جز به توفیق الهی تو را یارای این سپاس نخواهد بود.



حَقُّ أَبِيكَ

٢٢ - وَ أَمَّا حَقُّ أَبِيكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ أَصْلُكَ وَ أَنْكَ فَرَعُهُ وَ
أَنَّكَ لَوْلَاهُ لَمْ تَكُنْ فَمَهْمَا رَأَيْتَ فِي نَفْسِكَ مِمَّا يُعْجِبُكَ
فَاعْلَمْ أَنَّ أَبَاكَ أَصْلُ النُّعْمَةِ عَلَيْكَ فِيهِ وَ أَحْمَدِ اللَّهَ وَ اشْكُرْهُ
عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ [وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ]

حَقُّ وَلَدِكَ

٢٣ - وَ أَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي
عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنْكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ مِنْ
حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ إِلَى رَبِّهِ وَ الْمَعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ
فِيكَ وَ فِي نَفْسِهِ فَمُثَابٌ عَلَى ذَلِكَ وَ مُعَاقِبٌ فاعْمَلْ فِي
أَمْرِهِ عَمَلَ الْمُتَزَيِّنِ يَحْسُنْ أَثْرَهُ عَلَيْهِ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا
الْمُعَذَّرِ إِلَى رَبِّهِ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ بِحُسْنِ الْقِيَامِ عَلَيْهِ وَ الْأَخْذِ
لَهُ مِنْهُ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ



۲۲- و اما حقّ پدرت بر تو اینست که بدانی:

او اصل ریشه تو، و تو فرع و شاخه او هستی که اگر او نبود تو هم نمی بودی، پس هرگاه در خود کمالی را که موجب شگفتی ات بود مشاهده کردی بدان آنرا از پدرت داری. و بهر حال خدا را سپاسگزار باش و به بزرگی این نعمت، شکر او را بجای آور. و لا قوّة الا بالله.

۲۳- و اما حقّ فرزندت بر تو اینست که بدانی:

۱- او از توست و خیر و شرّش را در این دنیا از چشم تو می بینند.

۲- و تو نسبت به آن سپرده الهی مسئولی که از آن جمله است:

تربیت نیکوی او،

و راهنمایی او به پروردگارش،

و کمک به او برای اطاعت از خدا،

و بر اساس همین مسئولیت است که پاداش می بری یا

کیفر می بینی.

۳- و چنان کن که فرزندت را در این دنیا مایه افتخار خود گردانی.

۴- و با حسن رفتار و درخواست از پروردگارت، به

گونه ای به امر او قیام کن که بین خود و خدایت معذور باشی.

و لا قوّة الا بالله.



حَقُّ أَخِيكَ

٢٤ - وَ أَمَّا حَقُّ أَخِيكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ يَدُكَ الَّتِي تَبْسُطُهَا وَ
ظَهْرُكَ الَّذِي تَلْجَأُ إِلَيْهِ وَ عِزُّكَ الَّذِي تَعْتَمِدُ عَلَيْهِ وَ قُوَّتُكَ
الَّتِي تَصُولُ بِهَا وَ لَا تَتَّخِذْهُ سِلَاحاً عَلَى مَعْصِيَةِ اللَّهِ وَ لَا
عُدَّةً لِلظُّلْمِ بِحَقِّ اللَّهِ وَ لَا تَدَعِ نُصْرَتَهُ عَلَى نَفْسِهِ وَ مَعُونَتَهُ
عَلَى عَدُوِّهِ وَ الْحَوْلَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ شَيْطَانِهِ وَ تَأْدِيَةَ النَّصِيحَةِ
إِلَيْهِ وَ الْإِقْبَالَ عَلَيْهِ فِي اللَّهِ فَإِنْ انْقَادَ لِرَبِّهِ وَ أَحْسَنَ الْإِجَابَةَ لَهُ
وَ إِلَّا فَلْيَكُنِ اللَّهُ آثَرَ عِنْدَكَ وَ أَكْرَمَ عَلَيْكَ مِنْهُ



۲۴- و اما حق برادرت بر تو اینست که بدانی:

- ۱- او دست توست که آنرا برای کارهایت می‌گشایی.
- ۲- و پشتیبان توست که به او تکیه می‌کنی.
- ۳- و همچون تاجی، مایه عزت توست.
- ۴- و نیروی توست که با او به اهداف خود دست می‌یابی.
- ۵- پس او را وسیله‌ای برای معصیت خدا و ابزاری برای ظلم به خلق خدا قرار مده.
- ۶- و دست از یاری و کمک او در مقابل دشمنش برمدار.
- ۷- و بین او و شیاطینش که مایه فریب اویند حائل شو.
- ۸- و خیرخواه او باش.
- ۹- و برای خدا به او اقبال کن.
- ۱۰- پس اگر مطیع پروردگارش بود و او را به خوبی اجابت می‌کرد که چه بهتر و الا خداوند باید نزد تو مقدم و برگزیده‌تر از او باشد- پس جانب خدا را از دست مده-.



حَقُّ الْمُنْعَمِ عَلَيْكَ بِالْوَلَاءِ

٢٥ - وَأَمَّا حَقُّ الْمُنْعَمِ عَلَيْكَ بِالْوَلَاءِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ أَنْفَقَ
فِيكَ مَالَهُ وَأَخْرَجَكَ مِنْ ذُلِّ الرِّقِّ وَوَحْشَتِهِ إِلَى عِزِّ الْحُرِّيَّةِ
وَأُنْسَهَا وَأَطْلَقَكَ مِنْ أَسْرِ الْمَمْلَكَةِ وَفَكَ عَنْكَ حَقَّ
الْعُبُودِيَّةِ وَأَوْجَدَكَ رَائِحَةَ الْعِزِّ وَأَخْرَجَكَ مِنْ سَجْنِ الْقَهْرِ وَ
دَفَعَ عَنْكَ الْعُسْرَ وَبَسَطَ لَكَ لِسَانَ الْإِنصَافِ وَأَبَاحَكَ الدُّنْيَا
كُلَّهَا فَمَلَّكَكَ نَفْسَكَ وَحَلَّ أَسْرَكَ وَفَرَّغَكَ لِعِبَادَةِ رَبِّكَ وَ
اِحْتَمَلَ بِذَلِكَ التَّقْصِيرَ فِي مَالِهِ فَتَعْلَمَ أَنَّهُ أَوْلَى الْخَلْقِ بِكَ
بَعْدَ أَوْلَى رَحِمِكَ فِي حَيَاتِكَ وَمَوْتِكَ وَأَحَقُّ الْخَلْقِ
بِنَصْرِكَ وَمَعُونَتِكَ وَمُكَانَفَتِكَ فِي ذَاتِ اللَّهِ فَلَا تُؤْثِرْ عَلَيْهِ
نَفْسَكَ مَا احتَاجَ إِلَيْكَ أَحَدًا



۲۵- و اما حقّ مولايت که تو را آزاد کرده اينست که بدانی:

- ۱- او مال خود را صرف تو نموده.
- ۲- و تو را از ذلّت و وحشتِ بردگی نجات داده و به سرمنزل آزادگی و اُنس رسانده.
- ۳- و از اسارتِ ملکيت رهانیده.
- ۴- و حلقه‌های عبوديت را از دست و پايست برداشته.
- ۵- و بوی خوش عزّت را به مشامت رسانده.
- ۶- و از زندانِ سلطهٔ ديگران خارج ساخته.
- ۷- و رنج و سختی را از تو برداشته.
- ۸- و زبان حق شناسی و انصاف را نسبت به تو گویا نموده.
- ۹- و پهنهٔ دنيا را بر تو مباح و آزاد ساخته.
- ۱۰- و تو را مالک خودت کرده.
- ۱۱- و بند اسارت از گردن تو باز نموده.
- ۱۲- و تو را برای عبادت پروردگارت فارغ ساخته.
- ۱۳- و با آزاد کردن تو متحمّل کم شدن مال خود شده است.
- ۱۴- پس بدان او - بعد از خویشان نزديکت - بر همهٔ افراد، نسبت به موت و حیات تو تقدّم دارد.
- ۱۵- و او سزاوارترین خلق خداست به تو زیرا که تو را در امور الهی یاری و حمایت نموده است.
- ۱۶- پس هیچگاه در آنچه او نیاز دارد، خود را بر او مقدّم مدار.



حَقُّ مَوْلَاكَ

٢٦- وَأَمَّا حَقُّ مَوْلَاكَ الْجَارِيَةِ عَلَيْهِ نِعْمَتُكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّ
اللَّهَ جَعَلَكَ حَامِيَةً عَلَيْهِ وَوَاقِيَةً وَنَاصِرًا وَمَعْقِلًا وَجَعَلَهُ لَكَ
وَسِيلَةً وَ سَبَبًا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ فَبِالْحَرِيِّ أَنْ يَحْجُبَكَ عَنِ النَّارِ
فَيَكُونَنَّ فِي ذَلِكَ ثَوَابُكَ مِنْهُ فِي الْأَجْلِ وَ يَحْكُمَ لَكَ بِمِيرَاثِهِ
فِي الْعَاجِلِ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ رَحِمٌ مُكَافَأَةٌ لِمَا أَنْفَقْتَهُ مِنْ مَالِكَ
عَلَيْهِ وَ قُضِيَ بِهِ مِنْ حَقِّهِ بَعْدَ انْفِاقِ مَالِكَ فَإِنَّ لَمْ تَخَفْهُ خِيفَ
عَلَيْكَ أَنْ لَا يُطِيبَ لَكَ مِيرَاثَهُ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ عَلَيْكَ

٢٧- وَأَمَّا حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ عَلَيْكَ فَإِنَّ تَشْكُرُهُ وَ تَذْكُرُ
مَعْرُوفَهُ وَ تَنْشُرَ لَهُ الْمَقَالَةَ الْحَسَنَةَ وَ تُخْلِصَ لَهُ الدُّعَاءَ فِيمَا
بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ فَإِنَّكَ إِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ كُنْتَ قَدْ
شَكَرْتَهُ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً ثُمَّ إِنْ أَمَكَنَّ مُكَافَأَتَهُ بِالْفِعْلِ كَافَأْتَهُ وَ
إِلَّا كُنْتَ مَرْصِدًا لَهُ مَوْطِنًا نَفْسَكَ عَلَيْهَا



۲۶- و اَمَّا حَقُّ بِنْدَةٍ اَزَاد شُدِهَاتِ كِه مَوْرِدِ عِنَايَتِ تُو قَرَارِ كَرْفَتِه اَيْنَسْتِ كِه بَدَانِي:

۱- اَيْنِ خِدَاوَنْدِ اسْتِ كِه تُو رَا حَامِي وَ نَگِهْبَانِ وَ يَارِ وَ پِشْتِيْبَانِ اُو نَمُوْدِه.

۲- وَ اُو رَا وَ سِيْلَهْ اِي بَرَايِ رِبْطِ تُو بَا خُوْدَشِ قَرَارِ دَاْدِه.

۳- پَسِ سَزَاوَارِ اسْتِ كِه اُو تُو رَا اَزِ آتَشِ جِهَنَّمِ مَحْفُوْظِ بَدَارْدِ كِه اَيْنِ، پَا دَاشِ تُو دَر رُوْزِ وَاپَسِيْنِ اسْتِ.

۴- وَ اِگَرِ اُو رَا خُوِيْشَاوَنْدِي نَبُوْدِ تُو مِيْرَاثِ بَرِ اُو خُوَاهِي بُوْدِه تَا پَا دَاشِي دَرِ مَقَابِلِ اِنْفَاقِ مَالِ وَ خِدْمَتِ بِهِ اُو مَحْسُوْبِ كَرْدِدِ، پَسِ اِگَرِ بِهِ خِدْمَتِ اُو قِيَامِ نَكْرَدِه بَاشِي تَرَسِ اَزِ اَنْسْتِ كِه مِيْرَاثِ اُو بَرِ تُو رُو وَا نَبَاشْدِ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ.

۲۷- وَ اَمَّا حَقُّ اَنْ كَسِ كِه بَرِ تُو نِيْكَي وَ اِحْسَانِ كَرْدِه اَيْنَسْتِ:

۱- اَزِ اُو تَشْكُرْ كُنْ.

۲- وَ اِحْسَانِ اُو رَا بِهِ خَاطِرِ دَاشْتِه بَاشْ.

۳- وَ دَر بَارَهْ اُو سَخْنِ هَايِ نِيْكَو اَنْتِشَارِ دِه.

۴- وَ هَنْگَامِ خَلُوْتِ خُوْدِ بَا خِدَا اُو رَا خَالِصَانَهْ دَعَا كُنْ، كِه اِگَرِ چِنِيْنِ كَرْدِي مَرَاتِبِ شُكْرِ اُو رَا دَرِ هَمِهْ حَالِ، اَشْكَارِ وَ نِهَانِ بِيْجَا اُوْرْدِه اِي.

۵- پَسِ اِگَرِ تُو اَنْسْتِي، نِيْكَي اُو رَا عَمَلًا جِبْرَانِ كُنْ وَ اِلَّا اَمَادِه وَ دَر صَدْدِ جِبْرَانِ بَاشْ.



حَقُّ الْمُؤَدِّنِ

٢٨ - وَ أَمَّا حَقُّ الْمُؤَدِّنِ فَإِنْ تَعَلَّمَ أَنَّهُ مُذَكَّرُكَ بِرَبِّكَ وَ
دَاعِيكَ إِلَى حَظِّكَ وَ أَفْضَلُ أَعْوَانِكَ عَلَى قَضَاءِ الْفَرِيضَةِ
الَّتِي افْتَرَضَهَا اللَّهُ عَلَيْكَ فَتَشْكُرُهُ عَلَى ذَلِكَ شُكْرَكَ
لِلْمُحْسِنِ إِلَيْكَ وَ إِنْ كُنْتَ فِي بَيْتِكَ مَتَّهِمَا لِذَلِكَ لَمْ تَكُنْ لِلَّهِ
فِي أَمْرِهِ مَتَّهِمَا وَ عَلِمْتَ أَنَّهُ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكَ لَا شَكَّ فِيهَا
فَأَحْسِنْ صُحْبَةَ نِعْمَةِ اللَّهِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَلَيْهَا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ لَا
قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ



۲۸- و اَمَّا حَقُّ مُؤَدَّنٍ بِرِ تُو اَيْنَسْتِ كِه بَدَانِي:

- ۱- او یادآور توست به سوی پروردگارت.
- ۲- و تو را به نصیب و بهره‌ات از سفره الهی دعوت می‌کند.
- ۳- و بهترین یاور توست برای ادای فریضه‌ای که خداوند بر تو واجب فرموده.
- ۴- پس او را همچون شخصی که به تو احسان نموده شکرگزار باش.
- ۵- و -حتی- اگر تو باندای مؤدّن، فریضه نماز را در منزل انجام دادی اّتهم بی‌اعتنایی به مؤدّن بر تو نخواهد بود.
- ۶- و بدان او بدون شک نعمتی است از جانب خداوند بر تو، پس با شکرگزاری از حضرت حق، با آن نعمت در هر حال بر خورد نیکو داشته باش و لا قوّة الا بالله.



حَقُّ إِمَامِكَ فِي صَلَاتِكَ

٢٩- وَأَمَّا حَقُّ إِمَامِكَ فِي صَلَاتِكَ فَإِنَّ تَعَلَّمَ أَنَّهُ قَدْ تَقَلَّدَ
السَّفَارَةَ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ وَالْوِفَادَةَ إِلَى رَبِّكَ وَتَكَلَّمَ
عَنْكَ وَلَمْ تَتَكَلَّمْ عَنْهُ وَدَعَا لَكَ وَلَمْ تَدْعُ لَهُ وَطَلَبَ فِيكَ وَ
لَمْ تَطْلُبْ فِيهِ وَكَفَاكَ هَمَّ الْمَقَامِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَالْمَسَاءَلَةَ لَهُ
فِيكَ وَلَمْ تَكْفِهِ ذَلِكَ فَإِنْ كَانَ فِي شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ تَقْصِيرٌ كَانَ
بِهِ دُونُكَ وَإِنْ كَانَ آثِمًا لَمْ تَكُنْ شَرِيكُهُ فِيهِ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ
عَلَيْهِ فَضْلٌ فَوْقَ نَفْسِكَ بِنَفْسِهِ وَوَقَى صَلَاتَكَ بِصَلَاتِهِ
فَتَشْكُرُ لَهُ عَلَى ذَلِكَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ



۲۹- و اَمَّا حَقُّ اِمَامٍ جَمَاعَتٍ بِرِ تُو اِیْنَسْتِ کِه بَدَانِی:

۱- او بارِ سفارت و میانجیگری بین تو و خدا را به دوش گرفته و تو را به بار یافتن در درگاهش وساطت نموده است.
۲- و او از جانب تو سخن می گوید بدون اینکه تو از جانب او حرفی بزنی.

۳- و او تو را دعا می کند و تو برای او دعایی نداری.
۴- و از او در مورد صحّت نماز تو بازخواست می شود ولی تو مسئول نماز او نیستی.

۵- و او اهتمام ایستادن در محضر پروردگار و مسئلت از او را بجای تو انجام می دهد ولی تو چنین نمی کنی.
۶- و اگر او کاستی و تقصیری در نماز داشته باشد خودش مسئول است نه تو.

۷- و اگر در این رابطه مرتکب گناهی گردد تو شریک او نخواهی بود که در این صورت او را بر تو برتری و فضلی نیست.

۸- و او جان تو را با اتصال به خودش نگهداری می کند و نمازت را با ربط به نمازش محفوظ می دارد.

۹- پس، از این همه خدمتی که به تو دارد تشکر کن
و لا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ.



حَقُّ الْجَلِيسِ

٣٠- وَ [أَمَّا] حَقُّ الْجَلِيسِ فَأَنْ تُلِينَ لَهُ كَنَفَكَ وَ تُطِيبَ لَهُ
جَانِبَكَ وَ تُنْصِفَهُ فِي مُجَارَاةِ اللَّفْظِ وَ لَا تُغْرِقَ [فِي] نَزْعِ
اللَّحْظِ إِذَا لَحِظْتَ وَ تَقْصِدَ فِي اللَّفْظِ إِلَى إِفْهَامِهِ إِذَا لَفِظْتَ وَ
إِنْ كُنْتَ الْجَلِيسَ إِلَيْهِ كُنْتَ فِي الْقِيَامِ عَنْهُ بِالْخِيَارِ وَ إِنْ كَانَ
الْجَالِسَ إِلَيْكَ كَانَ بِالْخِيَارِ وَ لَا تَقُومَ إِلَّا بِإِذْنِهِ

«و زاد في الخصال:»

وَ تَنْسَى زَلَّاتِهِ وَ تَحْفَظُ خَيْرَاتِهِ وَ لَا تُسْمِعُهُ إِلَّا خَيْرًا وَ لَا
قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ



۳۰- و اَمَّا حَقُّ هَمْنَشِينٍ بِرِئَاسَتِكَ:

- ۱- آغوش خود را برای او نرم و ملایم کن.
 - ۲- پهلوی خود را- بارفتارت- برای او پاکیزه و خوشایند نما.
 - ۳- در جواب سخن های او از در انصاف داخل شو.
 - ۴- و چون به او می نگری زیاده از حد، چشم از او برنگیر و به اطراف توجه مکن.
 - ۵- و هنگام سخن گفتن با او، قصد تفهیم داشته باش- نه اینکه او را با کلام خود به حیرت افکنی-.
 - ۶- و اگر تو به دیدار او رفته ای اختیار بلند شدن و جدا شدن با توست.
 - ۷- و اما اگر او نزد تو آمده، اختیار با اوست پس بدون اجازه اش مجلس را ترک مکن.
 - و در خصال این زیاده آمده است:
 - ۸- و لغزشهای او را فراموش کن.
 - ۹- و نیکی های او را به خاطر داشته باش.
 - ۱۰- و جز سخن نیکو حرفی به گوش او نرسان.
- و لا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ.



حَقُّ الْجَارِ

٣١ - وَ أَمَّا حَقُّ الْجَارِ فَحِفْظُهُ غَائِبًا وَ كَرَامَتُهُ شَاهِدًا وَ
نُصْرَتُهُ وَ مَعُونَتُهُ فِي الْحَالَيْنِ جَمِيعًا لَا تَتَّبِعُ لَهُ عَوْرَةً وَ لَا
تَبْحَثُ لَهُ عَنْ سَوَاءٍ لِتَعْرِفَهَا فَإِنْ عَرَفْتَهَا مِنْهُ مِنْ غَيْرِ إِرَادَةٍ
مِنْكَ وَ لَا تَكْلُفِ كُنْتَ لِمَا عَلِمْتَ حِصْنًا حَصِينًا وَ سِتْرًا
سِتِيرًا لَوْ بَحَثْتَ الْأَسِنَّةَ عَنْهُ ضَمِيرًا لَمْ تَصِلْ إِلَيْهِ لِأَنْطَوَائِهِ
عَلَيْهِ لَا تَسْمَعُ عَلَيْهِ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُ لَا تُسَلِّمُهُ عِنْدَ شِدِيدَةِ
وَ لَا تَحْسُدُهُ عِنْدَ نِعْمَةٍ تُقِيلُ عَثْرَتَهُ وَ تَغْفِرُ زَلَّتَهُ وَ لَا تَدْخِرُ
حِلْمَكَ عَنْهُ إِذَا جَهِلَ عَلَيْكَ وَ لَا تَخْرُجْ أَنْ تَكُونَ سَلْمًا لَهُ
تَرُدُّ عَنْهُ لِسَانَ الشَّتِيمَةِ وَ تُبْطِلُ فِيهِ كَيْدَ حَامِلِ النَّصِيحَةِ وَ
تُعَاشِرُهُ مَعَاشِرَةَ كَرِيمَةٍ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ



۳۱- و اما حقّ همسایهات بر تو اینست:

- ۱- هنگام غائب بودن او حقوقش را از هر جهت حفظ کن.
 - ۲- و در وقت حضورش، او را گرمی بدار.
 - ۳- و در هر حال او را کمک و یاری ده.
 - ۴- و عیب او را پیگیری و دنبال مکن.
 - ۵- و در جستجوی شناخت بدیهایش مباش.
 - ۶- و اگر بدون اراده و اختیار، بر عیوب او آگاه شدی نسبت به آنها بسیار راز دار و پرده پوش باش و آنها را در درون خود چنان مخفی کن که با کنکاش سرنیزه هم بدان راه نیابند.
 - ۷- هیچگاه از طریقی که او بی خبر است مراقب گفته‌های او مباش.
 - ۸- او را در شدائد و سختی‌ها تنها مگذار.
 - ۹- و در روزگار نعمت، به او حسد مکن.
 - ۱۰- از لغزش‌هایش درگذر.
 - ۱۱- و خطاهایش را نادیده بگیر.
 - ۱۲- و هرگاه از سر نادانی عملی از او سرزد، حلم و بردباری خود را از او دریغ مدار و از دائرهٔ مسالمت و لطف خارج مشو.
 - ۱۳- زبان ملامتگران را از او باز دار.
 - ۱۴- و نقشهٔ مکاران را که ظاهری خیراندیش دارند از او دفع کن.
 - ۱۵- و با او معاشرت و رفتاری کریمانه داشته باش.
- ولا قوّة الا بالله.



حَقُّ الصَّاحِبِ

٣٢- وَ أَمَّا حَقُّ الصَّاحِبِ فَإِنَّ تَصَحُّبَهُ بِالْفَضْلِ مَا
وَجَدْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَإِلَّا فَلَا أَقْلَ مِنَ الْإِنصَافِ وَأَنْ تُكْرِمَهُ
كَمَا يُكْرِمُكَ وَ تَحْفَظُهُ كَمَا يَحْفَظُكَ وَ لَا يَسْبِقَكَ فِيمَا بَيْنَكَ
وَ بَيْنَهُ إِلَى مَكْرُمَةٍ فَإِنْ سَبَقَكَ كَافَأْتَهُ وَ لَا تَقْصِدَ بِهِ عَمًّا
يَسْتَحِقُّ مِنَ الْمَوَدَّةِ تُلْزِمُ نَفْسَكَ نَصِيحَتَهُ وَ حِيَاطَتَهُ وَ
مُعَاضَدَتَهُ عَلَى طَاعَةِ رَبِّهِ وَ مَعُونَتَهُ عَلَى نَفْسِهِ فِيمَا لَا يَهُمُّ بِهِ
مِنْ مَعْصِيَةِ رَبِّهِ ثُمَّ تَكُونُ [عَلَيْهِ] رَحْمَةً وَ لَا تَكُونُ عَلَيْهِ عَذَابًا
وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ



۳۲- و اما حقّ مصاحب و رفیققت بر تو اینست:

۱- تا می توانی در نیکی و احسان بر او فضل و برتری داشته باش.

۲- و اگر نمی توانی لا اقل با او به انصاف رفتار کن.

۳- همانگونه که او ترا اکرام می کند او را گرامی بدار.

۴- و همانطور که حقوق تو را حفظ می کند حقوقش را پاسداری کن.

۵- سعی کن او در هیچ مکرمتی بر تو سبقت نگیرد، و اگر سبقت گرفت آنرا جبران کن.

۶- و در مودّت و دوستی ات آنچه سزاوار اوست کوتاهی مکن.

۷- و بر خود واجب بشمار که خیرخواه او باشی.

۸- و از او مراقبت نما.

۹- و او را نسبت به فرمانبرداری از خدای تعالی یاری ده.

۱۰- و بر ترک معاصی الهی کمک کن.

۱۱- و پس از همه اینها، برای او لطف و رحمت باش نه

عذاب و زحمت. و لا قوّة الا بالله.



حَقُّ الشَّرِيكِ

٣٣ - وَ أَمَّا حَقُّ الشَّرِيكِ فَإِنْ غَابَ كَفَيْتَهُ وَإِنْ حَضَرَ
سَاوَيْتَهُ وَ لَا تَعَزِّمَ عَلَى حُكْمِكَ دُونَ حُكْمِهِ وَ لَا تَعْمَلْ
بِرَأْيِكَ دُونَ مُنَازَرَتِهِ وَ تَحْفَظْ عَلَيْهِ مَالَهُ وَ تَنْفِ عَنهُ خِيَاتَتَهُ
فِي مَا عَزَّ أَوْ هَانَ فَإِنَّهُ بَلَّغْنَا أَنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى الشَّرِيكَيْنِ مَا لَمْ
يَتَخَاوَنَا وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ



۳۳- و اما حق شریکت بر تو اینست:

- ۱- اگر حاضر نبود امور او را سامان ده.
- ۲- و اگر حاضر بود با او به مساوات رفتار کن.
- ۳- و بر تصمیمات خود بدون مصلحت اندیشی او اقدام مکن.
- ۴- و بدون مشورت با او به رأی خود عمل نکن.
- ۵- و سرمایه او را محفوظ بدار.
- ۶- و در هیچ امر کوچک و بزرگی دست به خیانت او دراز مکن چرا که به ما این چنین رسیده است که «دست حمایت خداوند پیوسته بر سر دو شریک است مادامی که به یکدیگر خیانت نورزند» و لا قوّة الا بالله.



حَقُّ الْمَالِ

٣٤- وَأَمَّا حَقُّ الْمَالِ فَمَا لَا تَأْخُذُهُ إِلَّا مِنْ حِلِّهِ وَلَا تُنْفِقُهُ إِلَّا فِي حِلِّهِ وَلَا تُحَرِّقُهُ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَلَا تَصْرِفُهُ عَنْ حَقَائِقِهِ وَلَا تَجْعَلُهُ إِذَا كَانَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ وَ سَبَبًا إِلَى اللَّهِ وَلَا تُؤْثِرَ بِهِ عَلَى نَفْسِكَ مَنْ لَعَلَّهُ لَا يَحْمَدُكَ وَ بِالْحَرِيِّ أَنْ لَا يُحْسِنَ خِلَافَتَهُ فِي تَرْكِكَ وَ لَا يَعْمَلُ فِيهِ بِطَاعَةِ رَبِّكَ فَتَكُونَ مُعِينًا لَهُ عَلَى ذَلِكَ وَ بِمَا أَحْدَثَ فِي مَالِكَ أَحْسَنَ نَظْرًا لِنَفْسِهِ فَيَعْمَلُ بِطَاعَةِ رَبِّهِ فَيَذْهَبَ بِالْغَنِيمَةِ وَ تَبَوَّءَ بِالْإِثْمِ وَ الْحَسْرَةِ وَ النَّدَامَةَ مَعَ التَّبَعَةِ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ



۳۴- و اما حق مال بر تو اینست:

- ۱- آنرا جز از راه حلال و مشروع به دست نیاور.
 - ۲- و جز در مسیر حلال مصرف مکن.
 - ۳- و آنرا از موارد خاصش منحرف مساز.
 - ۴- و از حقیقتش - که وسیله معاش است نه ذخیره و احتکار - منصرف نگردان.
 - ۵- و چون مال از جانب خدا به تو رسیده آنرا جز در راه او و وسیله‌ای برای وصول به او قرار مده.
 - ۶- و آن را بر کسانی از زن و فرزندان که چه بسا از تو یاد خیر و تشکر نمی‌کنند ایثار مکن.
 - ۷- و سزاوار است آن را نزد کسانی که به طاعت پروردگارت عمل نمی‌کنند به میراث نگذاری که در این صورت کمک کار آنان خواهی بود.
 - ۸- و نیز آن را نزد کسی به ارث مگذار که با آن برای خودش در طاعت خدا مصرف کند و سود ببرد اما گناه و حسرت و ندامت و تبعاتش برای تو باقی بماند.
- و لا قوّة الا بالله.



حَقُّ الْغَرِيمِ الطَّالِبِ لَكَ

٣٥ - وَ أَمَّا حَقُّ الْغَرِيمِ الطَّالِبِ لَكَ فَإِنْ كُنْتَ مُوسِرًا
أَوْفَيْتَهُ وَ كَفَيْتَهُ وَ أَعْنَيْتَهُ وَ لَمْ تَرُدُّدَهُ وَ تَمْطُلُهُ فَإِنَّ رَسُولَ
اللَّهِ ﷺ قَالَ مَطْلُ الْغَنِيِّ ظُلْمٌ وَ إِنْ كُنْتَ مُعْسِرًا أَرْضَيْتَهُ
بِحُسْنِ الْقَوْلِ وَ طَلَبْتَ إِلَيْهِ طَلَبًا جَمِيلًا وَ رَدَدْتَهُ عَنْ نَفْسِكَ
رَدًّا لَطِيفًا وَ لَمْ تَجْمَعْ عَلَيْهِ ذَهَابَ مَالِهِ وَ سُوءَ مُعَامَلَتِهِ فَإِنَّ
ذَلِكَ لُوْمٌ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ



۳۵- اَمَّا حَقُّ طَلْبِكَارِى كِه مَالِ خُود رَا مَطَالِبِه مِى كَنْد بِر تُو
اينست:

۱- اِگر قدرت پرداخت داری، طلب او را به طور کامل ادا
کن.

۲- مشکل او را کفایت کرده او را بی نیاز ساز.

۳- و باعث رفت و آمد مکرر و معطل شدن او مشو که
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند: «مسامحه و
دست دست کردن شخصی که قدرت بر پرداخت بدهی خود
را دارد ظلم است».

۴- اَمَّا اِگر توان پرداخت نداری، او را با زبان خوش
راضی کن.

۵- و به نحو پسندیده ای از او مهلت بگیر.

۶- و با لطف و نرمی او را از سر خودت رد کن.

۷- و چنین مباش که هم «از دست دادن مال» و هم
«بدرفتاری» را برای او جمع کرده باشی که این از فرومایگی
است. و لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ.



حَقُّ الْخَلِيْطِ

٣٦- وَ أَمَّا حَقُّ الْخَلِيْطِ فَأَنْ لَا تُعْرَهُ وَلَا تُغْشَهُ وَلَا تُكْذِبُهُ
وَلَا تُغْفِلَهُ وَلَا تُخْدَعَهُ وَلَا تَعْمَلَ فِي انْتِقَاضِهِ عَمَلَ الْعَدُوِّ
الَّذِي لَا يُبْقَى عَلَى صَاحِبِهِ وَإِنْ أَطْمَأَنَّ إِلَيْكَ اسْتَقْصَيْتَ لَهُ
عَلَى نَفْسِكَ وَ عَلِمْتَ أَنَّ عِبْنَ الْمُسْتَرْسِلِ رَبًّا [وَلَا قُوَّةَ إِلَّا
بِاللَّهِ]



۳۶- و اما حقّ کسی که با تو معاشرت و رفت و آمد دارد

اینست:

۱- او را فریب مده.

۲- با او دورویی نکن.

۳- به او دروغ مگو.

۴- او را غافلگیر مساز.

۵- به او مکر و خدعه مزن.

۶- همچون دشمنی که بی ملاحظه می تازد، نسبت به او

کارشکنی نکن.

۷- و اگر به تو اعتماد کرد همه توان خود را برای او بکار

بگیر گرچه به ضرر خودت تمام شود.

۸- و بدان! مغبون کردن کسی که با انسان انس گرفته نوعی

ربا و زیاده خواهی است. و لا قوّة الا بالله.



حَقُّ الْخَصْمِ الْمُدَّعِي عَلَيْكَ

٣٧- وَأَمَّا حَقُّ الْخَصْمِ الْمُدَّعِي عَلَيْكَ فَإِنْ كَانَ مَا يَدَّعِي
عَلَيْكَ حَقًّا لَمْ تَنْفَسِخْ فِي حُجَّتِهِ وَلَمْ تَعْمَلْ فِي إِبْطَالِ دَعْوَتِهِ
وَكَنتَ خَصِمَ نَفْسِكَ لَهُ وَالْحَاكِمَ عَلَيْهَا وَالشَّاهِدَ لَهُ بِحَقِّهِ
دُونَ شَهَادَةِ الشُّهُودِ فَإِنَّ ذَلِكَ حَقُّ اللَّهِ عَلَيْكَ وَإِنْ كَانَ مَا
يَدَّعِيهِ بَاطِلًا رَفَقْتَ بِهِ وَرَدَعْتَهُ وَنَاشَدْتَهُ بِدِينِهِ وَكَسَرْتَ
حِدَّتَهُ عَنْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ وَالْقَيْتَ حَشْوَةَ الْكَلَامِ وَلَغَطَةَ الَّذِي لَا
يُرَدُّ عَنْكَ عَادِيَةَ عَدُوِّكَ بَلْ تَبَوُّءُ بِإِثْمِهِ وَبِهِ يَشْحَذُ عَلَيْكَ
سَيْفَ عَدَاوَتِهِ لِأَنَّ لَفْظَةَ السُّوءِ تَبَعْتُ الشَّرَّ وَالْخَيْرُ مَقْمَعَةٌ
لِلشَّرِّ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ



۳۷- و اما حقّ شاکي و مدّعی بر تو اینست:

- ۱- اگر ادّعی او بر حقّ است ادلّه او را سُست مکن.
- ۲- برای ابطال او دست به اقدامی نزن.
- ۳- با خودت چون دشمن باش و به ضرر خود حکم کن.
- ۴- و از سرّ صدق- بر علیه خود شهادت بده بدون اینکه شاهدان دیگر شهادت دهند، که این عمل، حقّ خداوند است.

و اگر ادّعی او باطل است:

- ۱- به رفق و مدارا با او رفتار کن.
- ۲- او را از ادّعایش منصرف ساز و او را از خدا بترسان.
- ۳- او را به دین و عقایدش سوگند بده.
- ۴- و با یاد آوردنش به خدای متعال، سرسختی او را درهم شکن.

۵- و از کلام زیادی و حاشیه‌ای با او بپرهیز.

- ۶- جار و جنجال با او به راه مینداز که اینگونه رفتارها نه تنها دشمنی او را از بین نمی‌برد بلکه گناه او هم به گردن تو می‌افتد و شمشیرش بر تو تیز و بران می‌گردد، چه اینکه کلام ناهنجار، موجب برانگیخته شدن شرّ است در حالی که سخن خیر و لطیف، شرّ را ریشه کن می‌نماید. و لا قوّة الاّ بالله.



حَقُّ الْخَصْمِ الْمُدَّعَى عَلَيْهِ

٣٨ - وَأَمَّا حَقُّ الْخَصْمِ الْمُدَّعَى عَلَيْهِ فَإِنْ كَانَ مَا تَدَّعِيهِ
حَقًّا أَجْمَلْتَ فِي مَقَاوِلَتِهِ بِمَخْرَجِ الدَّعْوَى فَإِنَّ لِلدَّعْوَى
غِلْظَةً فِي سَمْعِ الْمُدَّعَى عَلَيْهِ وَ قَصْدَتْ قَصْدَ حُجَّتِكَ
بِالرَّفْقِ وَ أَمَهَلَ الْمُهْمَلَةَ وَ أَبَيَّنَ الْبَيَانَ وَ أَلْطَفَ اللَّطْفِ وَ لَمْ
تَتَشَاغَلْ عَنْ حُجَّتِكَ بِمُنَازَعَتِهِ بِالْقِيلِ وَ الْقَالِ فَتَذْهَبَ عَنْكَ
حُجَّتُكَ وَ لَا يَكُونُ لَكَ فِي ذَلِكَ دَرَكٌ

«و زاد في الخصال:»

وَ إِنْ كُنْتَ مُبْطِلًا فِي دَعْوَاكَ اتَّقَيْتَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ تُبَّتَ
إِلَيْهِ وَ تَرَكْتَ الدَّعْوَى وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ



۳۸- و اما حقّ آن کس که مورد شکایت توست اینست:

اگر ادّعی تو بر حقّ است:

۱- دعوای خود را با کلامی نرم و زیبا مطرح کن، چرا که اساساً هر ادّعی در نظر شکایت شونده سنگین و ناگوار است.

۲- دلائل و حجّت خود را با میانه روی و رفق همراه ساز.

۳- به او مهلت کافی بده.

۴- ادّعی خود را با کلماتی بسیار روشن بیان کن.

۵- او را مورد لطف و مهربانی قرار بده.

۶- با ایجاد سر و صدا، دلائل او را مورد بی توجهی قرار مده که در این صورت حجّت تو هم از دست می رود و دیگر تدارک نمی گردد.

و در خصال آمده است:

و اما اگر ادّعی تو بر حقّ نیست:

تقوای الهی را پیشه ساز و به درگاهش توبه کن و از ادّعایت منصرف شو.

و لا قوّة الا بالله.



حَقُّ الْمُسْتَشِيرِ

٣٩ - وَ أَمَّا حَقُّ الْمُسْتَشِيرِ فَإِنْ حَضَرَكَ لَهُ وَجْهٌ رَأَى
جَهْدَتَ لَهُ فِي النَّصِيحَةِ وَأَشْرَتْ إِلَيْهِ بِمَا تَعْلَمُ أَنَّكَ لَوْ كُنْتَ
مَكَانَهُ عَمِلْتَ بِهِ وَ ذَلِكَ لِيَكُنْ مِنْكَ فِي رَحْمَةٍ وَ لِيَنْفِئَ
الَّذِينَ يُؤْنَسُ الْوَحْشَةَ وَ إِنَّ الْغَلْظَ يُوحِشُ مَوْضِعَ النَّاسِ وَ إِنْ
لَمْ يَحْضُرْكَ لَهُ رَأْيٌ وَ عَرَفْتَ لَهُ مَنْ تَتَّقُ بِرَأْيِهِ وَ تَرْضَى بِهِ
لِنَفْسِكَ دَلَّتْهُ عَلَيْهِ وَ أَرْشَدَتْهُ إِلَيْهِ فَكُنْتَ لَمْ تَأَلْهِ خَيْرًا وَ لَمْ
تَدْخِرْهُ نُصْحًا وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ



۳۹- و اما حق کسی که با تو مشورت می‌کند اینست:

اگر در مورد مسأله او رأی وجیه و نظر روشنی داری:

۱- در خیرخواهی او بکوش.

۲- او را به آنچه می‌دانی و به عملی که اگر تو جای او

بودی عمل می‌کردی، اشاره کن.

۳- رأی تو باید همراه رقت و نرمی باشد که نرمی در

گفتار موجب انس و از بین رفتن وحشت است بخلاف

غلظت و خشونت که سبب ترس و وحشت می‌گردد.

اما اگر در مورد مشورت او رأیی به نظرت نمی‌رسد ولی

کسی را می‌شناسی که به او اطمینان داری و به مشورتش

برای خود راضی هستی، او را به آن شخص ارشاد و

راهنمایی کن که در این صورت خیری را از او فروگذار

نکرده و خیر خواهی و نصیحتی را از او دریغ ننموده‌ای.

و لا قوّة الا بالله.



حَقُّ الْمُسَيِّرِ إِلَيْكَ

٤٠- وَ أَمَّا حَقُّ الْمُسَيِّرِ إِلَيْكَ فَلَا تَتَّهَمُهُ بِمَا يُوقِفُكَ عَلَيْهِ
مِنْ رَأْيِهِ إِذَا أَشَارَ عَلَيْكَ فَإِنَّمَا هِيَ الْأَرَاءُ وَ تَصَرُّفُ النَّاسِ
فِيهَا وَ اخْتِلَافُهُمْ فَكُنْ عَلَيْهِ فِي رَأْيِهِ بِالْخِيَارِ إِذَا اتَّهَمْتَ رَأْيَهُ
فَأَمَّا تَهْمَتُهُ فَلَا تَجُوزُ لَكَ إِذَا كَانَ عِنْدَكَ مِمَّنْ يَسْتَحِقُّ
الْمُشَاوَرَةَ وَ لَا تَدَعُ شُكْرَهُ عَلَى مَا بَدَأَ لَكَ مِنْ إِشْخَاصِ رَأْيِهِ
وَ حُسْنِ مَشُورَتِهِ فَإِذَا وَافَقَكَ حَمِدْتَ اللَّهَ وَ قَبِلْتَ ذَلِكَ مِنْ
أَخِيكَ بِالشُّكْرِ وَ الْإِرْصَادِ بِالْمُكَافَأَةِ فِي مِثْلِهَا إِنْ فَرَعَ إِلَيْكَ وَ
لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

حَقُّ الْمُسْتَنْصِحِ

٤١- وَ أَمَّا حَقُّ الْمُسْتَنْصِحِ فَإِنَّ حَقَّهُ أَنْ تُؤَدِّيَ إِلَيْهِ
النَّصِيحَةَ عَلَى الْحَقِّ الَّذِي تَرَى لَهُ أَنَّهُ يَحْمِلُ وَ يَخْرُجُ
الْمَخْرَجَ الَّذِي يَلِينُ عَلَى مَسَامِعِهِ وَ تُكَلِّمُهُ مِنَ الْكَلَامِ بِمَا
يُطِيقُهُ عَقْلُهُ فَإِنَّ لِكُلِّ عَقْلٍ طَبَقَةً مِنَ الْكَلَامِ يَعْرِفُهُ وَ يَجْتَنِبُهُ وَ
لِيَكُنْ مَذْهَبُكَ الرَّحْمَةَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ



۴۰- و اما حقّ مشاور، بر تو اینست:

- ۱- او را متّهم نساز چرا که نظرها و دیدگاهها مختلف است و تو هم در عمل به رأی او اختیار داری، و چون او را سزاوار مشورت دیده‌ای تهمت به او بر تو جایز نیست.
- ۲- و همین قدر که حاضر به ارائه رأی خود شده و با تو خوش برخوردی کرده از او تشکر کن.
اما اگر رأی او موافق نظر تو بود:
 - ۱- خدای متعال را سپاسگزار باش.
 - ۲- رأی برادرانه او را با تشکر قبول کن.
 - ۳- و در صدد جبران باش که در موقع مناسب آن را تلافی کنی. و لا قوّة الا بالله.

۴۱- و اما حقّ کسی که از تو نصیحتی طلب کرده اینست:

- ۱- پندی را که حق است و او هم توان تحملش را دارد در اختیار او قرار ده.
- ۲- با نرمی و ملایمت راه خروج و رهایی از مشکلات را بر او بازگو کن.
- ۳- به قدر طاقت و رسایی عقلش با او سخن بگو چرا که هر عقلی با مرتبه‌ای از کلام آشنا و مانوس است و از غیر آن دوری می جوید.
- ۴- و بهر حال شیوه تو در ارائه نصیحت، باید رحمت و عطف باشد. و لا قوّة الا بالله.



حَقُّ النَّاصِحِ

٤٢- وَأَمَّا حَقُّ النَّاصِحِ فَإِنْ تُلِينَ لَهُ جَنَاحَكَ ثُمَّ تَشْرَبَ
لَهُ قَلْبَكَ وَتَفْتَحَ لَهُ سَمْعَكَ حَتَّى تَفْهَمَ عَنْهُ نَصِيحَتَهُ ثُمَّ تَنْظُرُ
فِيهَا فَإِنْ كَانَ وَفَّقَ فِيهَا لِلصَّوَابِ حَمِدَ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ وَ
قَبِلَتْ مِنْهُ وَ عَرَفَتْ لَهُ نَصِيحَتَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ وَفَّقَ لَهَا فِيهَا
رَحِمَتْهُ وَلَمْ تَتَّهَمْهُ وَ عَلِمْتَ أَنَّهُ لَمْ يَأْخُطِ إِلَّا أَنَّهُ أَخْطَأَ
إِلَّا أَنْ يَكُونَ عِنْدَكَ مُسْتَحَقًّا لِلتُّهْمَةِ فَلَا تَعْبَأُ بِشَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ
عَلَى كُلِّ حَالٍ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ



۴۲- و اما حق نصیحت کننده بر تو اینست:

- ۱- پر و بال قبول را برای او بگستران.
 - ۲- پس با تمام وجود به اندرز او توجه کن.
 - ۳- و گوش خود را باز کن تا نصیحتش را بفهمی.
 - ۴- سپس در نصیحتش تأمل کن، اگر آن را مقرون صحت یافتی خدا را شکر کن و آن را بپذیر و به خیرخواهی او اعتراف داشته باش.
 - ۵- و اگر سخنش را صحیح ندانستی بر او ترحم کن.
 - ۶- و به او تهمت مزین و بدان او در خیرخواهی اش کوتاهی نکرده بلکه فقط خطایی مرتکب شده، بله! اگر او را بهر حال سزاوار تهمت می بینی به گفتار او اعتنایی مکن.
- و لا قوّة الا بالله.



حَقُّ الْكَبِيرِ

٤٣ - وَ أَمَّا حَقُّ الْكَبِيرِ فَإِنَّ حَقَّهُ تَوْقِيرُ سِنِّهِ وَ إِجْلَالُ
إِسْلَامِهِ إِذَا كَانَ مِنْ أَهْلِ الْفَضْلِ فِي الْإِسْلَامِ بِتَقْدِيمِهِ فِيهِ وَ
تَرْكُ مُقَابَلَتِهِ عِنْدَ الْخِصَامِ وَ لَا تَسْبِقُهُ إِلَى طَرِيقٍ وَ لَا تَوَمُّهُ
فِي طَرِيقٍ وَ لَا تَسْتَجْهَلُهُ وَ إِنْ جَهِلَ عَلَيْكَ تَحَمَّلْتَ وَ أَكْرَمْتَهُ
بِحَقِّ إِسْلَامِهِ مَعَ سِنِّهِ فَإِنَّمَا حَقُّ السِّنِّ بِقَدْرِ الْإِسْلَامِ وَ لَا قُوَّةَ
إِلَّا بِاللَّهِ

حَقُّ الصَّغِيرِ

٤٤ - وَ أَمَّا حَقُّ الصَّغِيرِ فَرَحْمَتُهُ وَ تَثْقِيْفُهُ وَ تَعْلِيمُهُ وَ
الْعَفْوُ عَنْهُ وَ السَّتْرُ عَلَيْهِ وَ الرُّفْقُ بِهِ وَ الْمَعُونَةُ لَهُ وَ السَّتْرُ عَلَى
جَرَائِرِ حَدَاثَتِهِ فَإِنَّهُ سَبَبٌ لِلتَّوْبَةِ وَ الْمُدَارَاةُ لَهُ وَ تَرْكُ
مُمَاحَكَتِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى لِرُشْدِهِ



۴۳- و اما حق بزرگسال بر تو اینست:

- ۱- سالخوردگی او را احترام کن و بزرگ بشمار.
- ۲- اگر از اهل فضل و فضیلت در اسلام است او را به جهت پیش قدمی اش در اسلام تجلیل کن.
- ۳- و اگر کار تو با او به جدال و خصومت کشید، با او مقابله مکن.
- ۴- در مسیر، از او سبقت نگیر و جلو تر از او راه مرو.
- ۵- او را خوار و سبک مشمار.
- ۶- و اگر نسبت به تو رفتار جاهلانه ای داشت، آن را تحمل کن.
- ۷- و به خاطر حق اسلام و همچنین کهنسالی اش او را اکرام نما چرا که پیری و کهولت همانند اسلام و دینداری باید مورد احترام باشد. **و لا قوّة الا بالله.**

۴۴- و اما حق خردسال بر تو اینست:

- ۱- به او ترحم کن.
- ۲- در تربیت و مهارتش بکوش.
- ۳- به او آموزش ده.
- ۴- از خطاهایش درگذر.
- ۵- عیوبش را مستور بدار.
- ۶- با او مدارا کن.
- ۷- کمک او باش.
- ۸- ناپختگی هایش را پرده پوشی کن که این عمل موجب برگشت و توبه او خواهد شد.
- ۹- با خواسته های او همراهی کن.
- ۱۰- از ستیزه و لجاجت با او بپرهیز که این روش برای رشد و شکوفایی او مناسب تر است.



حَقُّ السَّائِلِ

٤٥ - وَ أَمَّا حَقُّ السَّائِلِ فَأَعْطَاؤُهُ إِذَا تَهَيَّأَتْ صَدَقَةٌ وَ
قَدَرْتَ عَلَى سَدِّ حَاجَتِهِ وَ الدُّعَاءُ لَهُ فِيمَا نَزَلَ بِهِ وَ الْمُعَاوَنَةُ
عَلَى طَلِبَتِهِ وَ إِنْ شَكَكَتَ فِي صِدْقِهِ وَ سَبَقَتْ إِلَيْهِ التُّهْمَةُ لَهُ وَ
لَمْ تَعْزِمِ عَلَى ذَلِكَ وَ لَمْ تَأْمَنْ أَنْ يَكُونَ مِنْ كَيْدِ الشَّيْطَانِ
أَرَادَ أَنْ يَصُدَّكَ عَنْ حَظِّكَ وَ يَحُولَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ التَّقَرُّبِ إِلَى
رَبِّكَ تَرَكَتَهُ بِسُتْرِهِ وَ رَدَدْتَهُ رَدًّا جَمِيلًا وَ إِنْ غَلَبَتْ نَفْسُكَ فِي
أَمْرِهِ وَ أَعْطَيْتَهُ عَلَى مَا عَرَضَ فِي نَفْسِكَ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ
الْأُمُورِ

حَقُّ الْمَسْئُولِ

٤٦ - وَ أَمَّا حَقُّ الْمَسْئُولِ فَحَقُّهُ إِنْ أُعْطِيَ قُبِلَ مِنْهُ مَا
أُعْطِيَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَ الْمَعْرِفَةِ لِفَضْلِهِ وَ طَلَبِ وَجْهِ الْعُدْرِ فِي
مَنْعِهِ وَ أَحْسِنَ بِهِ الظَّنَّ وَ اعْلَمْ أَنَّهُ إِنْ مَنَعَ مَالَهُ مَنَعَ وَ أَنْ لَيْسَ
التَّثْرِيبُ فِي مَالِهِ وَ إِنْ كَانَ ظَالِمًا فَإِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ



۴۵- و اما حقّ سائل نیازمند بر تو اینست:

- ۱- اگر به صدقش اطمینان داری و می توانی نیازش را برآوری، او را مورد عطای خود قرار ده.
- ۲- برای رفع گرفتاری اش دست به دعا بردار.
- ۳- و او را در زمینه درخواستش کمک کن.
- ۴- و اگر در راستگویی اش شک داری و فکر می کنی دروغ می گوید و از این رو تصمیم کمک به او نگرفته ای در امان مباش که این تصمیم شاید از حيله های شیطان باشد، چرا که او می خواهد تو را از این خیر، بی نصیب کند و بین تو و تقرّب پروردگارت مانع گردد، پس در این حال او را ترک کن بدون اینکه آبروی او را ببری.
- ۵- بلکه او را به نیکی و خوش رویی ردّ کن.
- ۶- اما اگر بر نفس خویش غلبه یافتی و با همه دغدغه خاطرات به او عطایی نمودی، پس بدان که این از نشانه های عزم راسخ تو است.

۴۶- و اما حقّ کسی که نیاز خود را به او اظهار کرده ای اینست:

- ۱- هرچه عطا کرد با تشکر از او قبول کن.
- ۲- فضل و انعامش را پاس بدار.
- ۳- و اگر نیازت را برآورده نکرد درصدد باش عذری برای او پیدا کنی.
- ۴- و گمانت را نسبت به او نیکو ساز.
- ۵- و بدان اگر او چیزی به تو نداد، از مال خودش امتناع کرده و توبیخ و اجباری بر او نیست گرچه در این امر هم ستم کرده باشد که انسان بسی ستمکار و ناسپاس است.



حَقُّ مَنْ سَرَّكَ اللَّهُ بِهِ

٤٧ - وَ أَمَّا حَقُّ مَنْ سَرَّكَ اللَّهُ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ فَإِنْ كَانَ
تَعَمَّدَهَا لَكَ حَمِدَتَ اللَّهُ أَوْلًا ثُمَّ شَكَرْتَهُ عَلَى ذَلِكَ بِقَدْرِهِ
فِي مَوْضِعِ الْجَزَاءِ وَ كَافَأْتَهُ عَلَى فَضْلِ الْإِبْتِدَاءِ وَ أَرَضَدْتَ
لَهُ الْمُكَافَأَةَ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ تَعَمَّدُهَا حَمِدْتَ اللَّهُ وَ شَكَرْتَهُ وَ
عَلِمْتَ أَنَّهُ مِنْهُ تَوَحَّدَكَ بِهَا وَ أَحْبَبْتَ هَذَا إِذَا كَانَ سَبَبًا مِنْ
أَسْبَابِ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ تَرَجُّو لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ خَيْرًا فَإِنَّ أَسْبَابَ
النُّعْمِ بَرَكَةٌ حَيْثُ مَا كَانَتْ وَ إِنْ كَانَ لَمْ يَعْمِدْ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا
بِاللَّهِ



۴۷- و اما حقّ کسی که خداوند تو را به وسیله او شاد فرموده اینست که:

- ۱- اوّلای خدای متعال را حمد کن.
- ۲- سپس با قدرشناسی از آن شخص، شکر او را بجای آور تا جزای عملش را داده باشی.
- ۳- و او را شاد کن با توجه به برتری او در اینکه او ابتداءً به این عمل دست زده است.
- ۴- و در صدد جبران محبت او باش.
- ۵- خدا را سپاس بگو.
- ۶- و شکر او را بجای آور.
- ۷- و بدان این سُرور و شادمانی از جانب خداست که تو را به آن مخصوص گردانیده.
- ۸- و آن شخص شاد کننده را هم دوست بدار چرا که به هر حال موجب نعمتی از نعمتهای خدا بر تو شده.
- ۹- پس برای او آرزوی خیر کن چون نعمت الهی همیشه موجب برکت است گرچه بدون قصد و اراده به تو رسیده باشد. و لا قوّة الا بالله.



حَقُّ مَنْ سَاءَ لَكَ

٤٨ - وَأَمَّا حَقُّ مَنْ سَاءَ لَكَ الْقَضَاءُ عَلَى يَدَيْهِ بِقَوْلٍ أَوْ
فِعْلٍ فَإِنْ كَانَ تَعَمَّدَهَا كَانَ الْعَفْوُ أَوْلَىٰ بِكَ لِمَا فِيهِ لَهُ مِنْ
الْقَمْعِ وَحُسْنِ الْأَدَبِ مَعَ كَثِيرِ أَمْثَالِهِ مِنَ الْخُلُقِ فَإِنَّ اللَّهَ
يَقُولُ وَ لَمَنْ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ
إِلَىٰ قَوْلِهِ لَمَنْ عَزَمِ الْأُمُورِ وَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنْ عَاقَبْتُمْ
فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ
هَذَا فِي الْعَمْدِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَمْدًا لَمْ تَظْلِمْهُ بِتَعَمُّدِ الْإِنْتِصَارِ
مِنْهُ فَتَكُونُ قَدْ كَفَّاتُهُ فِي تَعَمُّدِ عَلَىٰ خَطَايَا وَرَفَقَتْ بِهِ وَ
رَدَدَتْهُ بِالطَّفِيفِ مَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ



۴۸- و اما حق آن کس که به تو جفا کرده و با گفتار یا عملش تو را به ناراحتی انداخته اینست که:

اگر این کار را عمداً انجام داده سزاوار است که او را عفو کنی، چرا که این روش، ظلم را در وجود او ریشه کن می‌کند و نیز موجب تربیت صحیح او می‌گردد، مضافاً به اینکه امثال این برخوردارها از بسیاری از افراد نظیر او هم سر می‌زند - و گذشت نکردن تو، باعث ناراحتی بیشتری خواهد شد -.

لذا خداوند متعال می‌فرماید: «آنانکه پس از ستم دیدن در صدد انتقام برآیند مورد تعرض قرار نمی‌گیرند...»

ولی آن کس که صبر کند و از انتقام چشم‌پوشد و ببخشد، نشانه اراده محکم اوست.^۱

و نیز می‌فرماید: «اگر انتقام می‌گیرید بقدر ستمی که دیده‌اید انتقام بگیرید نه بیشتر، اما اگر صبر کنید البته بهتر است.»^۲

این در مورد جفای به عمد.

اما اگر گفته یا عمل او از روی عمد نبود، تو نباید با انتقام عمدی خود به او ظلم کنی چرا که در این حال تو با کار عمدی خود خطای او را پاسخ داده‌ای.

پس باید با او رفاقت و همراهی کنی و به لطیف‌ترین وجه ممکن او را جواب دهی. و لا قوه الا بالله.

۱- سورة شوری (۴۲) آیه ۴۱ تا ۴۳

۲- سورة نحل (۱۶) آیه ۶



حَقُّ مِلَّتِكَ عَامَّةً

٤٩ - وَأَمَّا حَقُّ مِلَّتِكَ عَامَّةً فَاضْمَارُ السَّلَامَةِ وَنَشْرُ
جَنَاحِ الرَّحْمَةِ وَالرَّفْقُ بِمُسِيئِهِمْ وَتَأْلِفُهُمْ وَاسْتِصْلَاحُهُمْ وَ
شُكْرُ مُحْسِنِهِمْ إِلَى نَفْسِهِ وَإِلَيْكَ فَإِنَّ إِحْسَانَهُ إِلَى نَفْسِهِ
إِحْسَانُهُ إِلَيْكَ إِذَا كَفَّ مِنْكَ أَذَاهُ وَكَفَاكَ مَثْوًى وَحَبَسَ عَنْكَ
نَفْسَهُ وَفَعَّمَهُمْ جَمِيعاً بِدَعْوَتِكَ وَانْصَرَّهُمْ جَمِيعاً بِنُصْرَتِكَ
وَأَنْزَلَهُمْ جَمِيعاً مِنْكَ مَنَازِلَهُمْ كَبِيرَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْوَالِدِ وَ
صَغِيرَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْوَلَدِ وَأَوْسَطَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْأَخِ فَمَنْ أَتَاكَ
تَعَاهَدَهُ بِلُطْفٍ وَرَحْمَةٍ وَصَلَّ أَحَاكَ بِمَا يَجِبُ لِلْأَخِ عَلَى
أَخِيهِ



۴۹- و اما حق همکیشان بر تو اینست:

- ۱- سلامتی آنها را از ضمیر دل خواهان باش.
- ۲- پر و بال رحمت خود را برای آنان بگستران.
- ۳- با بدکارانشان مدارا کن و گرم بگیر و به اصلاحشان بپرداز.
- ۴- و آن کس که در امور شخصی خود یا نسبت به تو نیکوکار است باید مورد تشکر و سپاس تو قرار گیرد چرا که احسان او به خودش در واقع احسان به توست، زیرا در این حال اذیتش را از تو باز می‌دارد و زحمتش را از دوش تو برداشته، خود را از هرگونه آزاری نسبت به تو محبوس می‌کند.
- ۵- پس همگی آنان را در دعای خود یاد کن.
- ۶- و در یاری همه آنان بکوش.
- ۷- و هر کس را در جایگاه و مرتبه خودش قرار بده.
- ۸- بزرگسالان را بعنوان پدر خود و کوچکتران را فرزند خود و میانسالان را برادر خود بدان.
- ۹- پس هر کس از آنها به سراغ تو آمد با لطف و رحمت با او برخورد کن.
- ۱۰- و به برادران دینی‌ات همانگونه صله و نیکی کن که واجب است هر برادری در مورد برادرش انجام دهد.



حَقُّ أَهْلِ الذُّمَّةِ

٥٠- وَأَمَّا حَقُّ أَهْلِ الذُّمَّةِ فَالْحُكْمُ فِيهِمْ أَنْ تَقْبَلَ فِيهِمْ مَا قَبَلَ اللَّهُ وَتَفِي بِمَا جَعَلَ اللَّهُ لَهُمْ مِنْ ذِمَّتِهِ وَعَهْدِهِ وَتَكْلِفُهُمْ إِلَيْهِ فِيمَا طَلَبُوا مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأُجْبِرُوا عَلَيْهِ وَتَحْكُمَ فِيهِمْ بِمَا حَكَّمَ اللَّهُ بِهِ عَلَى نَفْسِكَ فِيمَا جَرَى بَيْنَكَ [وَأَوْ بَيْنَهُمْ] مِنْ مُعَامَلَةٍ وَلِيَكُنْ بَيْنَكَ وَبَيْنَ ظُلْمِهِمْ مِنْ رِعَايَةٍ ذِمَّةِ اللَّهِ وَالْوَفَاءِ بِعَهْدِهِ وَعَهْدِ رَسُولِهِ ﷺ حَائِلٌ فَإِنَّهُ بَلَّغَنَا أَنَّهُ قَالَ مَنْ ظَلَمَ مُعَاهِدًا كُنْتُ خَصْمَهُ فَاتَّقِ اللَّهَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

فَهَذِهِ خَمْسُونَ حَقًّا مُحِيطًا بِكَ لَا تَخْرُجُ مِنْهَا فِي حَالٍ مِنَ الْأَحْوَالِ يَجِبُ عَلَيْكَ رِعَايَتُهَا وَالْعَمَلُ فِي تَادِيَتِهَا وَالِاسْتِعَانَةُ بِاللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ عَلَى ذَلِكَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ



۵۰- اَمَّا حَقُّ اَهْلِ ذِمَّةٍ وَكَافِرَانِي كِه دَر پِنَاهِ حَكومتِ

اسلامی اند اینست:

- ۱- آنچه را خداوند از آنان قبول فرموده تو نیز قبول کن.
- ۲- به هر ذمه و تعهدی که خداوند برای آنها قرار داده وفادار باش.
- ۳- و آنان را به آنچه برای خود می‌پسندند و یا خود را موظف می‌دانند واگذار.
- ۴- و به آنچه خداوند در روابط تو با آنها در معاملات حکم فرموده، تو هم حکم کن.
- ۵- و باید بین تو و ظلم کردن به آنان در مورد رعایت ذمه خدا و وفای به عهد و پیمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حائل و مانعی بزرگ باشد چرا که بما رسیده است که آن حضرت فرموده‌اند: «هرکس به کسی که با او معاهده‌ای امضا شده ظلم کند، من دشمن او خواهم بود» پس تقوای الهی را پیشه ساز. و لا حول و لا قوه الا بالله.

اینها پنجاه حق است که بر سراسر زندگی تو سایه افکنده و در هیچ حالی از احوال از آنها خارج نخواهی بود و رعایت و عمل به مفاد آنها بر تو واجب است و باید از خدای جل و علا در این راستا کمک بگیری و لا حول و لا قوه الا بالله و الحمد لله رب العالمین.



قُلْتُ قَالَ السَّيِّدُ عَلِيُّ بْنُ طَاوُسٍ فِي فَلَاحِ السَّائِلِ، وَرَوَيْنَا بِإِسْنَادِنَا فِي كِتَابِ الرَّسَائِلِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ بِإِسْنَادِهِ إِلَى مَوْلَانَا زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ فَأَمَّا حُقُوقُ الصَّلَاةِ فَإِنَّ تَعَلَّمَ أَنَّهَا وَفَادَةٌ وَسَاقٌ مِثْلَ مَا مَرَّ عَنْ تَحْفِ الْعُقُولِ وَمِنْهُ يُعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْخَبَرَ الشَّرِيفَ الْمَعْرُوفَ بِحَدِيثِ الْحُقُوقِ مَرْوِيٌّ فِي رَسَائِلِ الْكَلْبِيِّ عَلَى النَّحْوِ الْمَرْوِيِّ فِي التَّحْفِ لَا عَلَى النَّحْوِ الْمَوْجُودِ فِي الْفَقِيهِ وَالْخِصَالِ الْمَذْكُورِ فِي الْأَصْلِ وَالظَّاهِرُ لِكُلِّ مَنْ لَهُ أَنْتَسُ بِالْأَحَادِيثِ أَنَّ الثَّلَاثِيَّ مُخْتَصَرٌ مِنَ الْأَوَّلِ. وَاحْتِمَالٌ أَنَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَكَرَ هَذِهِ الْحُقُوقَ بِهَذَا التَّرْتِيبِ مَرَّةً مُخْتَصَرَةً لِبَعْضِهِمْ وَأُخْرَى بِهَذِهِ الزِّيَادَاتِ لِأَخْرَ فِي غَايَةِ الْبُعْدِ. وَيُؤَيِّدُ الْإِتِّحَادَ أَنَّ النَّجَاشِيَّ قَالَ فِي تَرْجَمَةِ أَبِي حَمْرَةَ وَ لَهُ رِسَالَةٌ الْحُقُوقِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ حَمْرَةَ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ هَذَا السَّنْدُ أَعْلَى وَأَصَحُّ مِنْ طَرِيقِ الصَّدُوقِ فِي الْخِصَالِ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ وَلَوْ كَانَ فِي الرِّسَالَةِ هَذَا الْاِخْتِلَافُ الشَّدِيدُ لَأَشَارَ إِلَيْهِ النَّجَاشِيُّ كَمَا هُوَ دَيْدَنُهُ فِي أَمْثَالِ هَذَا الْمَقَامِ. ثُمَّ إِنَّ الصَّدُوقَ رَوَاهُ فِي الْخِصَالِ مُسْنَدًا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ فَضَيْلٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ وَ فِي الْفَقِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْهُ فَتَأَمَّلْ. هَذَا وَيُظْهِرُ مِنْ بَعْضِ الْمَوَاضِعِ أَنَّ الصَّدُوقَ رَحِمَهُ اللَّهُ كَانَ يَخْتَصِرُ الْخَبَرَ الطَّوِيلَ وَيُسْقِطُ مِنْهُ مَا دَرَى نَظْرُهُ إِلَى إِسْقَاطِهِ

